

درسنامه

آشنایی با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و راهکارهای سازمانی - مدیریتی تحقق آن



دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش

ویرایش اول - غیرقابل استناد

اسفند ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۵
۱- مفهوم اقتصاد مقاومتی	۷
۱-۱- اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قواعد اسلامی	۷
۱-۲- دلایل نظری اقتصاد مقاومتی (اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی مرسوم)	۹
۳-۱- تجربیات جهانی مقاومسازی اقتصاد	۱۰
۱-۳-۱- اقتصاد شکننده؛ از شرق آسیا تا اروپا و آمریکا	۱۰
۳-۱-۲- تناقض نمای سنگاپور	۱۱
۳-۳-۱- باز هم نفت!	۱۲
۲- اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری	۱۴
۲-۱- مقایسه شرایط بدر و خبیر و شعب ابی طالب در صدر اسلام	۱۴
۲-۲- مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری	۱۵
۲-۲-۱- تفسیر معنای کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی (بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۱۶)	۱۵
۲-۲-۲- حرکت براساس برنامه، کوتاه‌تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۶
۲-۲-۳- اجرای طرح‌هایی در جهت کاهش اسراف و وابستگی به خارج مانند هدفمند کردن یارانه‌ها (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۶
۲-۲-۴- تأکید بیشتر بر مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۶
۲-۲-۵- استفاده بیشتر از تولید داخلی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۷
۲-۲-۶- کاهش وابستگی به نفت (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۷
۲-۲-۷- مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۷
۲-۲-۸- پرهیز از دید کوتاه‌مدت و نگرش زودگذر به شعارهای سالیانه مانند اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و ... (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)	۱۷
۲-۲-۹- شرکت‌های دانش‌بنیان (بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان مورخ ۱۳۹۱/۵/۸)	۱۸
۲-۲-۱۰- ارتباط با دنیای خارج و رشد و شکوفایی در زمان تحریم (بیانات در دیدار دانشجویان مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۶)	۱۸
۲-۲-۱۱- مدیریت منابع ارزی (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت مورخ ۱۳۹۱/۶/۲)	۱۸
۲-۲-۱۲- مقاوم بودن اقتصاد (بیانات در حرم مطهر رضوی مورخ ۱۳۹۲/۱/۱)	۱۹
۳- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی	۱۹
۳-۱- اقتصاد مقاومتی؛ متنوع‌سازی اقتصاد	۱۹

۲۰	۳-۱-۱- بررسی راهبرد جایگزینی واردات
۲۱	۳-۱-۲- خودکفایی در بخش کشاورزی
۲۱	۳-۲- سرمایه‌های کشور در اقتصاد مقاومتی
۲۲	۳-۳- دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی
۲۶	۳-۴- فناوری در اقتصاد مقاومتی
۲۸	۳-۵- مصرف و پس‌انداز در اقتصاد مقاومتی
۲۸	۳-۵-۱- پس‌انداز
۳۰	۳-۵-۲- مصرف
۳۰	۳-۵-۳- راهکارهایی برای کاهش مصرف و افزایش کارآیی
۳۳	۳-۶- حمل و نقل و ترانزیت در اقتصاد مقاومتی
۳۶	۳-۷- نفت و اقتصاد مقاومتی
۳۷	۴- فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد مقاومتی
۳۸	۵- شاخص‌های نشان دهنده برقراری اقتصاد مقاومتی
۳۹	۵-۱- نرخ پایین بیکاری و عدم وجود بیکاری پنهان
۳۹	۵-۲- بهره‌وری بالای نیروی کار
۴۰	۵-۳- کاهش نرخ مهاجرت نخبگان به خارج از کشور
۴۰	۵-۴- افزایش کارآفرینان در اقتصاد
۴۰	۵-۵- دو قطبی نبودن جامعه
۴۰	۵-۶- تنوع درآمدهای صادراتی کشور
۴۱	۶- شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصاد سالم با مقاومتی
۴۱	۷- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و محورهای اصلی آن
۵۱	۸- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی
۵۲	۹- نکاتی درباره تحقق اقتصاد مقاومتی
۵۷	منابع و مآخذ

مقدمه

اگر در گذشته کشورهای غری با مداخله آشکار نظامی اهداف خود را در سایر کشورها عملی می‌ساختند، اکنون این عمل را با سیاست‌های تضعیف اقتصاد کشور مورد هدف، دنبال می‌کنند. ایالات متحده سال‌هاست با همراهی برخی کشورها از طریق تحریم‌های اقتصادی به دنبال پیگیری اهداف خود در ایران بوده و در سال‌های اخیر نیز به بهانه برنامه اتمی ایران در پی تنگ‌تر کردن فشار اقتصادی به دور ایران است.

در چنین شرایطی جامعه ایرانی باید علیرغم اینکه در مجامع بین‌المللی رفع تحریم‌ها را پیگیری کند، در داخل نیز شرایط را برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی فراهم سازد. مقام معظم رهبری در بیاناتشان به این نکته اشاره کردند که هر چند امروز ما از تجربه بیشتر، زیرساخت‌های مناسب‌تر و امید بالاتری برخورداریم ولی در مقابل یک فشار جهانی با عنوان تحریم اقتصادی قرار داریم و به همین دلیل برای اینکه تهدید تحریم را به یک فرصت تاریخی تبدیل کنیم باید اقتصاد کشور را به یک اقتصاد مقاومتی تبدیل کنیم.

اظهار نظر درباره اقتصاد مقاومتی آسان نیست. کلمه‌ای با این نام در هیچ کدام از متون اقتصادی مرسوم مشاهده نمی‌شود. هر چند که با مطالعه بیشتر می‌توان به مفاهیمی مشابه (مانند اقتصاد متنوع) رسید و از مفاهیم تقسیم ریسک نیز استفاده کرد. ساده‌ترین تعریف از اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که قادر به مقاومت در برابر تهدیدهای دشمنان باشد. با چنین تعریفی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی انجام اعمال زیر ضروری است:

الف) شناسایی نقاط ضعف کشور.

ب) شناسایی ابزارها و شیوه‌های تهاجمی دشمنان.

به طور کلی بیگانگان می‌توانند از طریق شیوه‌های زیر به اقتصاد سایر کشورها صدمه بزنند:

الف) تحریم تجاری یا امتناع از خرید و فروش با کشور مورد نظر.

ب) تحریم سرمایه‌گذاری یا جلوگیری از سرمایه‌گذاری کشور تحریم شده در کشورهای دیگر و ممانعت از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در کشور مذکور.

ج) سرمایه‌برداری یا توقیف دارایی‌های کشور تحریم شده.

اگرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهان معاصر مربوط است، اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. شاید اولین مورد مستند، به فرمان مگارین^۱ در عصر یونان باستان بازگردد که در سال ۴۳۲ قبل از میلاد صادر شد (بهروزی فر، ۱۳۸۳).

تا سال ۱۹۱۸، تحریم‌های اقتصادی، مکملی برای اقدامات نظامی بود. تنها بعد از جنگ جهانی اول بود که موضوع استفاده از تحریم به جای اقدامات نظامی مورد توجه جدی قرار گرفت. یک دوره مهم در تاریخ تحریم‌های اقتصادی، تشکیل جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول می‌باشد. به نحوی که کشورهای عضو این سازمان موضوع توسل به سلاح اقتصادی را به عنوان سلاحی غیرنظامی برای برقراری صلح در متن میثاق جامعه ملل گنجانده‌اند. در حالی که اعمال تحریم بر علیه کشورهای ضعیفی مانند

یونان و یوگسلاوی موفق بود، نتوانست به موفقیت در برابر کشورهای قدرتمندتر ایتالیا و ژاپن بیانجامد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده تبدیل به سردمدار استفاده از تحریم‌های اقتصادی در تعقیب اهداف سیاست خارجی در سراسر جهان شد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آمریکا کشورهای کمونیستی و کشورهایی که با آنها مناسبات تجاری داشتند را تحریم کرد.

در دهه ۱۹۷۰ حقوق بشر به یکی از اهداف سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ خطر تروریسم، مواد مخدر و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از دلایل اعمال تحریم بوده است. در کل از ۱۰۳ تحریم اقتصادی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ آمریکا در ۷۹ مورد آن شرکت داشته است. در همین دوره زمانی، انگلستان ۱۳ و شوروی ۱۱ مرتبه به اعمال تحریم مبادرت کرده‌اند (همان).

ایران برای اولین بار به طور جدی در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و ملی شدن نفت با تحریم روبرو شد. دولت انگلستان نه تنها مانع از همکاری کارشناسان خارجی در زمینه صنعت نفت با ایران شد، بلکه با تهدید خریداران نفت ایران به شیوه‌های مختلف، در عمل درآمد نفتی ایران را به صفر رسانید.

محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا از ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و به تدریج به گونه‌ای تصاعدی افزایش یافت. آثار اقدامات فوق را می‌توان به طور خلاصه در کاهش دادن حجم تجارب بین دو کشور (مخصوصاً کالاهای خاص) و بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران مشاهده کرد. در حال حاضر نیز آمریکا اقدام به عمل بی‌سابقه تحریم بانک مرکزی ایران کرده است.

بحث نبرد اقتصادی بر علیه ایران را نمی‌توان بدون اشاره به سیاست‌های نفتی عربستان سعودی در نظر گرفت. در سال ۱۹۸۵ ملک فهد با دستور افزایش تولید نفت عربستان سعودی به میزان دو برابر اوایل سال ۱۹۸۵ موجبات اشباع بازار و سقوط ناگهانی قیمت نفت را فراهم ساخته بود و هدف سیاسی عمده او از این کار محروم ساختن ایران از درآمد نفت و وادار ساختن این کشور به قبول شرایط صلح با عراق بود، زیرا هزینه صدور نفت ایران با توجه به جملات مداوم هوایی عراق به کشتی‌های نفتکش و پایانه‌های نفتی ایران دو برابر شرایط عادی بود و در صورت کاهش قیمت نفت به کمتر از بشکه‌ای ده دلار ایران توانایی ادامه صدور نفت را نداشت. با این حال سیاست فوق به علت وقوع اختلاف بین عربستان و آمریکا نتوانست مدت زیادی اجرا شود (همان).

تاریخچه فوق نشان می‌دهد که دشمنی اقتصادی برخی کشورها با ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و کشور باید خود را آماده مقابله با سیاست‌های فوق سازد. اقتصاد مقاومتی راهکاری است که در آن با حفاظت از اقتصاد کشور، حفظ آرمان‌ها و استقلال کشور تأمین می‌گردد.

برای به وجود آمدن اقتصاد مقاومتی نیاز به وجود اقتصادی سالم و توسعه یافته است. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی در خلأ به دست نمی‌آید، از این رو در این مجموعه از ویژگی‌های اقتصاد توسعه یافته که ارتباط بیشتری با اقتصاد مقاومتی دارد نام برده شده است.

۱ - مفهوم اقتصاد مقاومتی

ساده‌ترین تعریف از اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که به نحو کارایی قادر به مقابله با تهدیدهای دشمنان کشور باشد. همان طور که هدف نهایی علم اقتصاد بهبود شرایط زندگی روزمره است، اقتصاد مقاومتی نیز همین راهکار را با فرض وجود اقدامات خصمانه دشمنان پیگیری می‌کند، به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی همان علم اقتصادی است که این بار با فرض ایجاد موانع مختلف توسط دشمنان نظریه‌پردازی کرده و راهکارهای مربوطه را پیشنهاد می‌دهد. به این ترتیب در اقتصاد مقاومتی، محدودیت منابع خود را به طرز جدی‌تر نشان می‌دهد. در حالی که دولت باید همچنان بسیاری از وظایف مهم (و شاید از همه مهم‌تر حفظ انگیزه مردم برای کار و پس‌انداز کردن) را که در حالت عادی انجام می‌داد، سامان بخشد.

بدون وجود اقتصاد مقاومتی حفظ استقلال کشور بسیار سخت خواهد شد، به نحوی که اگر دشمنان بتوانند با استفاده از ابزارهای اقتصادی توانایی اقتصاد کشور را به مرور زمان تحلیل برند در این حالت بین آحاد مردم و بین مردم و دولت شکاف گسترده‌ای ایجاد خواهد شد که در بلندمدت می‌تواند به تبعات خطرناک منجر شود. در این قسمت به بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. به این منظور ارتباط اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی مطرح شده و سپس سعی در استخراج مفهوم اقتصاد مقاومتی از مفاهیم متداول و مرسوم اقتصاد خواهیم داشت.

۱-۱ - اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قواعد اسلامی

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین سرشار الهی از مفاهیم عمیقی است که مسلمانان در صورت توجه به آن می‌توانند از عقب‌ماندگی نجات یابند. در این راستا برای شناخت صحیح اقتصاد مقاومتی ضروری است تا اول از همه از متون اقتصاد اسلامی استفاده کرد. **نفی سیل** قاعده‌ای فقهی است که هرگونه تسلط **کفار** بر **مسلمین** را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصاد و نظامی، جایز نمی‌شمارد. بنابراین نفی سیل را می‌توان قاعده‌ای فقهی که بر ضرورت اقتصاد مقاومتی تأکید دارد برشمرد.

از جمله راه‌های تسلط کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در حال حاضر سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق مستفاد از این آیه، مؤمنان وظیفه دارند، تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها و از جمله وابستگی اقتصادی رهایی دهند.

«برای مقابله با آنان (کفار و مشرکان) آنچه می‌توانید نیرو آماده کنید. (انفال، ۶۰)»

سیاق آیه نشان می‌دهد که درباره جنگ است و طبعاً مهم‌ترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است، اما کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود، نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن تا آنجا که دشمن را به هراس افکند، ایجاب می‌کند که مسلمان قدرتمند باشند تا توانایی لازم برای مقابله با توطئه‌های دشمنان فراهم شود.

بعضی از قواعد اسلامی که جامعه را در راه رسیدن به چنین هدفی یاری می‌کنند عبارتند از:

عدم اسراف: در قرآن کریم در بیش از ۲۵ آیه از عمل اسراف و تبذیر نهی شده است. اسراف در تمامی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مصداق دارد. اسراف در فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از یک حد میانه و اعتدال دانست، که در معدودی کردارهای مصرفی و فعالیت‌های تولیدی بروز پیدا می‌کند.

اسراف به معنای بیش از حد مصرف کردن می‌تواند منجر به فاصله گرفتن مصرف از تولید شده و در نتیجه وابستگی به واردات را در پی داشته باشد که منجر به آسیب‌پذیر شدن کشور در برابر بیگانگان شده و با قاعده فقهی نفی سبیل در تضاد است. حکومت در یک جامعه اسلامی می‌تواند به کاهش مصرف کمک کند. به عنوان مثال کمک به رشد اقتصاد و قیمت‌گذاری کالاها براساس کمیابی آنها که در بازار صورت می‌گیرد و پرهیز از پرداخت یارانه‌های غیرهدفمند از آن جمله است. همچنین کاهش مصرف بخش دولتی و تلاش برای خصوصی‌سازی نیز می‌تواند به کاهش مصرف کمک کند زیرا به طور معمول بخش خصوصی انگیزه بیشتری برای کاهش مصرف دارد.

نهی از اخلال در نظام: به معنی نهی هر سیاستی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم جامعه شود و همچنین نهی از اتراف به معنای نهی رفتارهای ضداخلاقی و اجتماعی از سوی ثروتمندان نیز می‌تواند در راستای پیاده‌سازی قاعده فقهی نفی سبیل کمک کند.

گروهی از قوانین اسلامی با تأمین امنیت اقتصادی که پیش‌نیاز اصلی رشد و توسعه است، ثروت ملی را حفظ می‌کنند. بعضی از این قوانین عبارتند از:

عدم اتلاف: مطابق این قاعده چنانچه کسی به نحوی مال یا منفعت دیگری را از بین ببرد ضامن آن است.

لاضرر: مطابق این قاعده ضرررسانی به دیگران جایز نیست.

قاعده سلطنت: مطابق این قاعده هر کسی در اموال خود حق هر نوع تصرف مشروع را دارد و هیچ‌کس حق ممانعت از آن را ندارد.

گروهی دیگر از قوانین اسلامی هرگونه سختی و مشقت غیرمعارف را از عرصه اقتصاد حذف می‌کنند. مشهورترین قاعده اسلامی در این زمینه قاعده عسر و حرج است. مطابق قاعده فوق هر حکمی در مرحله اجرا دارای مشقتی که عادتاً غیرقابل تحمل است، باشد، فعلیت نخواهد داشت.

قوانین اسلامی بر اهمیت تولید مولد و جلوگیری از انحراف عوامل تولید از آن تأکید دارند. به عنوان مثال نفی قیمت‌گذاری توسط دولت سودآوری بخش تولید را تضمین می‌کند. پرهیز از احتکار، تبانی بر گران‌فروشی و واسطه‌گری‌های غیرمفید نیز مانع از انحراف عوامل تولید به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌شود.

دولت در جامعه اسلامی با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب می‌تواند زمینه را برای برقراری قواعد اسلامی فوق فراهم کند.

در کنار اجرای سیاست‌های اقتصادی، باید توجه ویژه‌ای به اجرای بانکداری اسلامی و حذف ربا که از مهم‌ترین جلوه‌های اقتصاد اسلامی است داشت. استفاده صحیح و گسترده از ابزارها و محصولات جدید پولی و بانکی اسلامی مانند صکوک،

استصناع، اعتبار در حساب جاری، اختیار معامله، عاملیت و ... می‌تواند با تقویت اقتصاد کشور گام بزرگی در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد باشد.

۱-۲- دلایل نظری اقتصاد مقاومتی (اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی مرسوم)

در متون اقتصادی مرسوم، هیچ اشاره‌ای به اقتصاد مقاومتی نشده است. در دنیای اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک دشمن اقتصادی وجود ندارد، زیرا وقتی کشورها می‌توانند با همکاری و تجارت به نفع بیشتری برسند، چرا باید دست به اقدامات خصمانه بزنند. به هر حال به علت وجود احساسات زیاده‌طلبانه می‌توان انتظار رفتارهای غیرمتعارف کلاسیکی و نئوکلاسیکی را داشت. استعمارگران غربی سال‌های سال بی‌توجه به هزینه‌های سنگین، به بسیاری از کشورهای حمله کردند و آنها را تحت استثمار در آوردند، این امر در حالی صورت گرفت که بسیاری از اتباع کشورهای غربی هیچ نفعی از این کشورگشایی‌ها نمی‌بردند. همین ماجرا در حال حاضر به شکل تجاوز آمریکا به عراق و افغانستان و انواع مختلف تحریم‌های اقتصادی این کشور بر علیه سایرین در حال تکرار شدن است.

خوشبختانه نظریه‌های اقتصاد توسعه نگاه واقع‌بینانه‌تری به تنش بین کشورها داشته‌اند. مایکل تودارو در کتاب مشهور توسعه اقتصادی «تسلط، وابستگی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌الملل» را از ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه می‌داند. او در ادامه اضافه می‌کند که توزیع بسیار نابرابر قدرت اقتصادی و سیاسی بین کشورهای ثروتمند و فقیر عامل مهمی در تداوم توسعه‌نیافتگی کشورهای فقیر است. به نظر او کشورهای ثروتمند نه تنها الگوی تجارت بین‌الملل را کنترل می‌کنند، بلکه در پی تحمیل شرایط خود در زمینه انتقال فناوری، کمک‌های خارجی و سرمایه‌خصوصی به کشورهای در حال توسعه هستند.

نئومارکسیست‌ها کشورهای پیشرفته و صنعتی سرمایه‌داری را مسئول عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه (چه در گذشته و چه در زمان حال) می‌دانند. اما به نظر آنها نقش منفی کشورهای غربی نه از طریق تحریم‌های اقتصادی، بلکه از طریق وارد ساختن کشورهای در حال توسعه به فرآیند تجارت نابرابری که منجر به خروج گسترده مازاد از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند شده است، ایفا شده است. راه‌حل الگوی نئومارکسیستی که انقلاب سوسیالیستی را تنها راه توسعه می‌داند، در حال حاضر هیچ‌گونه مقبولیتی ندارد.

ادیات اقتصاد سنتی هر چند که وجود دشمنان اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد، اما وجود خطر در عملیات اقتصادی را پذیرفته و برای آنها راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد که می‌توانند در ساخت اقتصاد مقاومتی به کار آیند. راه‌حل‌های فوق عبارتند از: صرفه‌جویی (کاستن از مصرف و افزایش پس‌انداز)، سوداگری اقتصادی و استفاده از بیمه (انتقال خطر به نهادهایی که توانایی بهتری در مبارزه با خطرات دارند) و متنوع‌سازی شیوه‌های کسب درآمد.

به همین ترتیب اقتصاد توسعه با معرفی ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه (سطح پایین بهره‌وری، سطح فزاینده بیکاری آشکار و پنهان، وابستگی شدید به صادرات مواد اولیه و محصولات کشاورزی و ...) نقاط ضعف کشور را که می‌تواند باعث بهره‌برداری دشمنان کشور شود را معرفی می‌کند. به این ترتیب با استفاده از مطالب فوق می‌توان اصول اقتصاد مقاومتی (برطرف‌سازی نقاط ضعف کشور) را مورد شناسایی قرار داد.

۱-۳- تجربیات جهانی مقاومت‌سازی اقتصاد

اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده (vulnerable economy) که نقطه‌ی مقابل اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌رود، مفهومی است که حدود یک دهه از تولد آن در ادبیات اقتصادی می‌گذرد و در واقع چند سال پس از تجربه‌ی بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مورد توجه قرار گرفته است. بحرانی که مولود خطای راهبردی وابسته‌کردن بازارهای مالی به سرمایه‌گذاران خارجی بود و به سقوط چندساله‌ی اقتصادهایی منجر شد که در جهان به عنوان معجزه‌ی آسیایی شناخته می‌شدند.

التفات به مسأله‌ی آسیب‌پذیری یا مقاومتی بودن، نه تنها در سطح اقتصاد ملی بلکه در همان زمان در سطح بنگاه‌های اقتصادی نیز جدی گرفته شد. مقاله‌ی هامل و والیکانگاس (۲۰۰۳) در نشریه‌ی معروف دانشگاه هاروارد با نام «نیاز به مقاوم بودن» نمونه‌ای از پدید آمدن این هوشیاری بود. آغاز حصر غیر انسانی غزه در سال ۲۰۰۵ نیز بهانه‌ی دیگری بود که مسأله‌ی پرهیز از شکنندگی اقتصاد در شرایط حصر، به عنوان یک موضوع قابل تأمل مطرح و مقالات متعددی در این‌باره نگاشته شد؛ از جمله مقاله‌ی صلاح رمضان محمدآغا (۲۰۱۱) پیرامون مدل مقاومت‌سازی اقتصاد غزه که در هشتمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مالیه‌ی اسلامی ارائه گردید.

۱-۳-۱- اقتصاد شکننده؛ از شرق آسیا تا اروپا و آمریکا

این سیر با وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا و سپس اروپا تکمیل گردید. اگرچه بحران مزبور برای اقتصاد آمریکا نمونه‌ی یک شوک خارجی نبود اما اولاً برای کشورهای اروپایی که به عنوان سرریز بحران آمریکا متأثر گردیدند، تا حدی برون‌زا تلقی می‌شد و بنابراین نشانه‌ی آسیب‌پذیری اقتصادهای اروپایی از جانب اقتصاد آمریکا بود. (اصطلاح معروف اگر اقتصاد آمریکا عطسه کند، اقتصاد اروپا سرما خواهد خورد). ثانیاً برای خود آمریکا نیز حاوی درس مهمی بود و آن این که اتکاء کامل به بازار آزاد و زدودن مقررات می‌تواند شکنندگی اقتصاد را افزایش دهد و زمینه‌ساز بحران‌هایی مشابه سال ۲۰۰۸ گردد. به همین دلیل در سال‌های اخیر موج نظری بزرگی در محافل دانشگاهی و سیاستگذاری جاری شده است که بر شکننده‌بودن و خوش‌بینانه‌بودن فرض الگوهای نئوکلاسیک تأکید نموده و تنظیم‌گری هوشمندانه‌ی دولت‌ها را ترغیب می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت هم‌اکنون نسبت به یک دهه‌ی گذشته نسبت به مقاومت‌سازی اقتصاد آگاهی و حساسیت جهانی بیشتری وجود دارد. روشن است درخصوص کشورهایی که به دنبال پرداخت بهای استقلال سیاسی خود و پافشاری بر مواضع ضد‌هژمونی خود هستند، باید حساسیت مضاعفی وجود داشته باشد.

اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده مفهومی است چند سال پس از تجربه‌ی بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ مورد توجه قرار گرفته است. آغاز حصر غیر انسانی غزه در سال ۲۰۰۵ بهانه‌ی دیگر بود. این سیر با وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا و سپس اروپا تکمیل گردید. اگرچه بحران مزبور برای اقتصاد آمریکا نمونه‌ی یک شوک خارجی نبود اما برای اروپا تا حدی برون‌زا تلقی می‌شد.

آخرین حلقه از آگاهی جهانی درباره‌ی اقتصاد مقاوم مربوط به گزارش رسمی اجلاس مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳) است که با نام «ایجاد مقاومت ملی در برابر مخاطره‌های جهانی» منتشر گردید. البته تعبیر این گزارش از مقاومت (تاب‌آوری)، شامل

طیف وسیعی از مخاطره‌های جهانی می‌شود (مانند بلایای طبیعی) که فراتر از اثر شوک‌های خارجی است. همچنین مقاومت پیوند وثیقی با پیش‌بینی پذیر بودن مخاطره‌ها دارد. در گزارش مزبور پنج بُعد برای تقویت مقاومت پیشنهاد شده است:

۱. زیرسامانه‌ی اقتصادی؛ مشتمل بر جنبه‌هایی از قبیل محیط اقتصاد کلان، بازار کالا و خدمات، بازار مالی، بازار کار، پایداری پذیری و بهره‌وری و مانند آن‌ها؛

۲. زیرسامانه‌ی زیست‌محیطی؛ مشتمل بر جنبه‌هایی همچون منابع طبیعی، شهرسازی و سامانه‌ی زیست‌بوم‌شناختی؛

۳. زیرسامانه‌ی حکمرانی؛ مشتمل بر نهادها، دولت، رهبری، سیاست‌ها؛

۴. زیرسامانه‌ی زیرساخت‌ها؛ مشتمل بر زیرساخت‌های حساس به ویژه مخابرات، انرژی، حمل و نقل، آب و سلامت؛

۵. زیرسامانه‌ی اجتماعی؛ مشتمل بر سرمایه‌ی انسانی، سلامت، اجتماع و افراد.

۱-۳-۲ - تناقض‌نمای سنگاپور

در ادبیات متعارف، یک اقتصاد زمانی شکننده است که شوک‌های بیرونی بتوانند به راحتی آن را از موقعیت ظاهراً متعادل و پیشرونده خارج کنند. ویژگی آسیب‌پذیری هیچ ارتباطی به عملکرد عادی یک اقتصاد ندارد؛ یعنی در شرایط معمول ممکن است یک اقتصاد از لحاظ شاخص‌های اقتصاد کلان در وضعیت بسیار مطلوبی به سر ببرد. مثلاً نرخ‌های رشد بالا و بیکاری و تورم اندکی داشته باشد. آن‌چه در ادبیات رایج تحت نام «تناقض‌نمای سنگاپور» معروف است دقیقاً به همین معناست که اقتصادی مانند سنگاپور در شرایطی که به نظر می‌رسد طی دوره‌ای طولانی بسیار عملکرد چشمگیری داشته، همزمان دچار شکنندگی بالاست. این آسیب‌پذیری نسبت به تکانه‌های بیرونی عمدتاً ناشی از وجود یکی از دو عامل است:

در خصوص اقتصاد ایران به نظر می‌رسد درجه‌ی تمرکز صادرات (سهم بالای صادرات نفت و گاز و میعانات) چشم‌سافندیار است و اگر تأکیدات سال‌های پیش رهبر انقلاب و دیگر دلسوزان جدی انگاشته می‌شد، اکنون شکنندگی کمتری از این ناحیه متوجه اقتصاد کشور بود و به تبع، توان امتیازگیری ما در سیاست خارجی نیز فزون‌تر می‌گشت.

■ درجه‌ی بالای بازبودن اقتصاد (openness)؛ یعنی بالا بودن جمع صادرات و واردات به کل تولید ناخالص

داخلی: این نسبت به‌طور متعارف در اقتصادهای موسوم به پیشرفته بین ۳۰ تا ۶۰ درصد است اما در کشورهای شرق آسیا و در آستانه‌ی بحران ۱۹۹۷، بیش از ۱۰۰ درصد و گاه به ۲۰۰ درصد رسیده بود. در این شرایط یک اختلال خارجی در صادرات یا واردات یا ورود و خروج سرمایه، امواج بزرگی در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و به علت سهم بالای تجارت خارجی در اقتصاد، توقف در تجارت کالایی یا مالی موجب سکنه در کل اقتصاد خواهد شد. این اتفاقی بود که در بحران ۱۹۹۷ ابتدا در بازارهای مالی شرق آسیا (که وابسته به سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی بود) و سپس در دیگر بخش‌ها رخ داد.

■ درجه‌ی بالای تمرکز صادرات؛ وابستگی حداقلی از صادرات کشور به یک محصول خاص که موجب خواهد

شد در صورت ایجاد اختلال در صادرات آن محصول، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان گردد. برخلاف نکته‌ی نخست که در خصوص اقتصاد ایران مصداق ندارد (یعنی در بهترین

سال‌های تجارت خارجی هیچ‌گاه سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی به ۵۰ درصد نرسیده است) اما زمینه‌ی مشکل دوم برای ایران و عمده‌ی کشورهای صادرکننده‌ی نفت و گاز وجود داشته است.

بنابراین از جهت شاخص‌های آسیب‌پذیری می‌توان گفت طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ که به تدریج شیب تحریم‌های ظالمانه‌ی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران افزایش می‌یافت، جمع صادرات و واردات کشور به ترتیب ۱۵۷، ۱۸۷ و ۲۲۱ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی کشور (به نرخ رسمی) معادل ۳۵۰، ۴۳۰ و ۵۰۰ میلیارد دلار بود. به این ترتیب مشاهده می‌کنیم که سهم تجارت خارجی در تولید کشور بین ۴۳ تا ۴۴ درصد ثابت باقی مانده و در حد استاندارد متعارف بیشتر اقتصادها بود. حتی اضافه کردن ارزش قاچاق کالا که در آمار رسمی تجارت کشور درج نمی‌شود، حداکثر ۴ درصد این نسبت را افزایش می‌دهد که همچنان به محدوده‌ی هشدار نمی‌رسد.

۱-۳-۳- باز هم نفت!

از سوی دیگر به لحاظ شاخص دوم طی سه سال مذکور، میزان صادرات نفت و گاز و میعانات به ترتیب ۶۹، ۹۰ و ۱۱۸ میلیارد دلار و سهم صادرات نفت و گاز و میعانات از کل صادرات در حدود ۸۰ درصد بود که به وضوح از سطح وابستگی (نیمی از درآمدهای ارزی) بسیار بالاتر بود. حتی در سال ۱۳۹۱ که ارزش صادرات نفت و گاز و میعانات ایران به حدود ۶۸ میلیارد دلار کاهش یافت باز هم سهم این قلم در کل صادرات کشور ۶۹ درصد بود که اگرچه نسبت به سال‌های پیشین کاهش یافت اما همچنان در محدوده‌ی تمرکز صادرات قرار داشت. بر این اساس می‌توان گفت اگرچه اقتصاد ایران از جهت شاخص نخست (درجه‌ی باز بودن اقتصاد) در خطر نبود، اما با نگاه به شاخص دوم (درجه‌ی تمرکز صادرات) کاملاً در موقعیت هشدار قرار داشت و همین نقطه‌ی ضعفی بود که به دشمنان جمهوری اسلامی این فرصت را داد تا بتوانند درآمدهای ارزی دولت را شدیداً کاهش دهند.

اگرچه به دلیل کاربر نبودن صادرات نفت (تکیه‌ی کمتر به نیروی کار و پایین بودن سهم اشتغال نسبت به تولید) کاهش صادرات نفت تأثیر زیادی بر بیکاری نداشت، اما کاهش درآمدهای دولت زودتر از همه به رکود طرح‌های عمرانی و افزایش بدهی دولت به بخش خصوصی منجر شد که به نوبه‌ی خود تأثیر ملموسی بر کاهش اشتغال استان‌ها داشت. پیامدهای دیگر کاهش درآمدهای ارزی دولت، همچون کاهش عرضه‌ی ارز در بازار و جهش بهای ارز، افزایش تورم و نااطمینانی و کاهش کیفیت خدمات بخش‌های دولتی نیز از دیگر نتایج مقام‌سازی نکردن اقتصاد ایران در قبال وابستگی به عواید نفت به شمار می‌رود.

۳-۱-۴- درس‌های مقاوم‌سازی جهانی اقتصاد برای ایران

آنچه از مرور تجربیات جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد برای امروز کشور ما حائز اهمیت است را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱. ترمیم شکنندگی‌ها و آسیب‌پذیری اقتصاد ملی از ناحیه‌ی شوک‌های خارجی، اکنون به یک آگاهی و حساسیت جهانی

تبدیل شده است و این امر برای کشورهایی که به دنبال پرداخت بهای استقلال‌طلبی، حفظ عزت و مواضع دینی خود در جهان امروز هستند، از ضرورت مضاعفی برخوردار است.

الگوهای تدبیر اقتصاد ملی که بر اساس فروض ساده‌انگارانه‌ی نئوکلاسیک در پی آزادسازی بازارهای مختلف، مقررات‌زدایی افراطی، نفی تنظیم‌گری و حمایت‌گری و هدایت دولت‌اند، خود بسترساز شکننده‌شدن اقتصادها به شمار می‌روند. حتی در مدینه‌ی فاضله‌ی سرمایه‌داری کنونی نیز حجم بسیار دقیق و وسیعی از تنظیم‌گری‌های دولتی برای جلوگیری از آسیب‌پذیری اقتصاد وجود دارد.

۲. الگوهای تدبیر اقتصاد ملی که بر اساس فروض ساده‌انگارانه‌ی نئوکلاسیک در پی آزادسازی بازارهای مختلف، مقررات‌زدایی افراطی، نفی تنظیم‌گری و حمایت‌گری و هدایت دولت‌اند، خود بسترساز شکننده‌شدن اقتصادها به شمار می‌روند. حتی در مدینه‌ی فاضله‌ی سرمایه‌داری کنونی نیز حجم بسیار دقیق و وسیعی از تنظیم‌گری‌های دولتی برای جلوگیری از آسیب‌پذیری اقتصاد وجود دارد. بدون چنین مقرراتی گرداب فعالیت‌های سفته‌بازانه (به‌ویژه در نهادهای پولی، ارزی و بازار سرمایه) موجب انحراف منابع می‌شود و سیل واردات و قاچاق کالا، اهالی صنعت و کشاورزی را در خود غرق خواهد کرد.

۳. در خصوص اقتصاد ایران به نظر می‌رسد درجه‌ی تمرکز صادرات (سهم بالای صادرات نفت و گاز و میعانات) چشم‌اسفندیار است و اگر تأکیدات سال‌های پیش رهبر معظم انقلاب و دیگر دلسوزان جدی انگاشته می‌شد، اکنون شکنندگی کمتری از این ناحیه متوجه اقتصاد کشور بود و به تبع، توان امتیازگیری ما در سیاست خارجی نیز فزون‌تر می‌گشت. البته به یمن کنترل سهم تجارت در اقتصاد و بالا بودن نسبی حجم تولید داخل، ضربه‌ی اساسی به بدنه‌ی اقتصاد وارد نشده و علی‌رغم غیر قابل مقایسه‌بودن فشار تحریم با شوک مالی شرق آسیا، اقتصاد ایران توانسته است همچنان به عملکرد خود ادامه دهد و قادر خواهد بود با اتکاء به الگوهای درون‌محور و برنامه‌های واقع‌گرایانه به مسیر پیشرفت بازگردد.

۴. امکان ادامه‌ی مدیریت بخش عمومی و دولت با درآمد صادرات روزانه‌ی یک میلیون بشکه نفت، می‌تواند چراغ روشنی پیش روی دولتمردان قرار دهد و این فرصت را فراهم کند تا اقتصاد ایران خود را با این حجم تزریق درآمد نفتی تطبیق دهد و حتی در صورت گشایش خارجی، آگاهانه و عامدانه به سمت بازگشت به نرخ‌های پیشین وابستگی به نفت نرود.

۵. چنان‌که گفته شد حتی سهم سال ۱۳۹۱ نفت در کل عایدات صادراتی کشور یعنی ۶۹ درصد (که پایین‌ترین در سال‌های اخیر به شمار می‌رود) هنوز بالاتر از محدوده‌ی اطمینان و مقاومتی است. در این میان دولت نیز می‌تواند با حزم و جزم، برنامه‌ی زمان‌بندی‌شده‌ای را برای افزایش سهم درآمدهای غیر نفتی اعلام نماید تا بدین ترتیب از ناحیه‌ی کاهش صادرات نفت، کمترین پیامد منفی نصیب اقتصاد ایران شود. تنها در چنین چارچوبی است که امکان پیگیری مقتدرانه‌ی سیاست‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی فراهم خواهد شد.

۲- اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور برای اولین بار واژه اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و در ادامه نیز در سخنرانی‌های بسیاری لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن را مورد توجه قرار دادند. از این رو پیش از مطالعه در خصوص اقتصاد مقاومتی و تعیین محورهای آن، لازم است تا ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گیرد. یکی از موارد قابل اهمیت در این خصوص، تبیین وضعیت موجود از دیدگاه رهبر معظم انقلاب است. ایشان در سخنرانی‌های مختلف ضمن تبیین شرایط فعلی کشور، چالش‌ها و فرصت‌ها، عنوان کرده‌اند که شناخت وضع موجود کشور و در نظر گرفتن پتانسیل‌های اقتصاد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۲-۱- مقایسه شرایط بدر و خیبر و شعب ابی طالب در صدر اسلام

رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم شرایط امروز کشورمان را این چنین توصیف کردند: «یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی طالب و محاصره اقتصادی مسلمانان، آنها را از پا بیاورند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بد محاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم.»

در شرایط شعب ابی‌طالب مشرکین یک محاصره اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همه‌جانبه را علیه مؤمنین طراحی و اجرا کردند. آنها طبق این برنامه تحریم، تمام ارتباطات مسلمین را قطع کردند. مسلمانان که حتی از سرپناهی در مقابل گرمای تابستان محروم شده بودند، تقریباً سه سال از دارایی‌های خودشان خوردند و امکان فعالیت اقتصادی نداشتند، به گونه‌ای که در اواخر دوران شعب ابی‌طالب، حتی برای بچه‌هایشان هم غذایی یافت نمی‌شد. مؤمنین در آن سه سال بسیار تکیده و فرسوده شدند؛ تا حدی که اگر محاصره شکسته نمی‌شد، تنها یک قدم تا مرگ فاصله داشتند. در آن وضعیت سخت، یکی از منابع مالی ارزشمند برای مسلمانان، همان تجارت حضرت خدیجه سلام‌الله علیها و اموالش بود. مشرکین برای تکمیل محاصره‌شان تمام معاملات تجاری حضرت خدیجه سلام‌الله علیها را قطع کردند تا هیچ کس به مسلمین جنس نفروشد. در نتیجه مسلمانان مجبور بودند که اجناس را به چهار برابر و پنج برابر قیمت بخرند. ضمن اینکه مشرکین نیز برای جلوگیری از دادوستد اجناس کاروان‌های تجاری با مسلمانان داخل شعب، مجبور بودند اجناس را گران‌تر بخرند. وقتی اجناس را گران می‌خریدند، دیگر در مکه کسی خریدار این اجناس گران نبود. در نتیجه طی این سه سال، تراز مالی بسیار بالایی از مکه خارج شد.

بنابراین مشرکین احساس کردند ادامه این سیاست، مکه را هم دچار فقر می‌کند و تجار مکه هم از بین می‌روند. یعنی همان‌طور که مسلمین در شعب زیان می‌دیدند، تجار مکه هم زیان شدیدی را تحمل می‌کردند، منتها آنهایی که داخل شعب بودند، می‌گفتند ما خدا را داریم، اما آنهایی که بیرون بودند، هیچ اعتمادی به خدا نداشتند. لذا شعب و بیرون شعب مانند دو گشتی گیر در حال مسابقه، نفس‌هایشان روبه اتمام بود و کسی برنده بود که یک قدم بیشتر مقاومت می‌کرد. بنابراین وقتی موریانه آن کاغذ را خورد، یک‌باره راهی برای مشرکین هم پیدا شد که خودشان را نجات دهند.

اما در شرایط جنگ بدر مسلمانان در موقعیت قدرت قرار داشتند وقوع غزوه بدر به این سبب بود که اموال و دارایی‌های مسلمان پس از هجرت به مدینه، توسط مشرکان قریش مصادره شد، از این رو پیامبر (ص) حال که با تأسیس حکومت اسلامی در موقعیت اقتدار قرار گرفته بود، در مقام مقابله برآمد و برای تصرف کاروان اقتصادی مکه از نزدیکی چاه‌های بدر در حال عبور بود، اقدام کرد. در این حال، مشرکان قریش به سرکردگی ابوسفیان که حیثیت خود را در خطر می‌دیدند، به مصاف اسلم آمدند که البته با شکست تحقیرآمیز و مفتضحانه‌ای روبرو شدند. وی افزود: در این نبرد، با اینکه تعداد کفار قریب به سه برابر مسلمان بود، اما ضربه سختی خوردند.

در غزوه خیبر، آن جبهه یهودی که طراحی اصلی و مغز متفکر مشرکین بود، خود را علنی کرد و همه داروندارش را در منطقه خیبر جمع کرد تا با پیامبر اکرم (ص) مقابله کند. در این هنگام مؤمنین که تا پیش از این نفسشان به شماره افتاده بود و به هیچ عنوان در مدینه و حومه با یهودیان درگیر نمی‌شدند، در موقعیتی قرار گرفتند که توانستند استحکامات یهودیان را دوست کیلومتر دورتر از مدینه محاصره کنند و این یعنی تفاوت موقعیت؛ یک روزی درون شهرشان محاصره می‌شدند، اما حالا دشمن را در منطقه خودش محاصره کرده بودند.

وقتی دشمنان در خیبر شکست خوردند، دو ضربه اساسی به آنها وارد آمد؛ اول اینکه متفکرهایشان مثل «علی بن اخطب» ضربه خوردند. دوم اینکه ثروت عظیمی در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت، به گونه‌ای که پس از آن، اوضاع مادی مدینه کاملاً تغییر کرد؛ اصحاب صُفّه دارای خانه و امکانات شدند، سپاه پیامبر اکرم (ص) دارای زره و اسب و امکانات شدند و مدینه از آن فقر پیشین درآمد.

بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه گرفت، که شرایط امروز ایران با شرایطی که در آن به واسطه تحریم‌ها توان مقاومتی کشور تا حد نابودی کاهش یابد به طوری که در سال‌های شعب ابی‌طالب برای مسلمانان پیش آمده بود، نیست، بلکه قدرت امروز جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد جهانی را با مشکل جدی مواجه کرده و ایران نیز می‌تواند از قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای خود به منظور مقابله به‌مثل به خوبی بهره‌مند گردد.

۲-۲- مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

همان‌طور که اشاره شد، مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ها و بیانات متعددی به موضوع اقتصاد مقاومتی پرداختند که می‌توان با بررسی این بیانات، مؤلفه‌های اقتصادی مقاومتی از دیدگاه ایشان را استخراج کرد.

۲-۲-۱- تفسیر معنای کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی (بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۱۶)

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم، البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه این کارهایی که شده است، همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌تواند بکنند. خب، ولی این

دلیلی است برای مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پررونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

۲-۲-۲- حرکت براساس برنامه، کوتاه‌تر شدن زمان اجرای برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات: از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

حرکت براساس برنامه، یکی از کارهایی اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، همه مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

۲-۲-۳- اجرای طرح‌هایی در جهت کاهش اسراف و وابستگی به خارج مانند هدفمند کردن یارانه‌ها (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

به نظر ما طرح‌های «اقتصاد مقاومتی» جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد و بقیه چیزهایی که مورد نیاز کشور است. هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار باید به انجام برسد.

۲-۲-۴- تأکید بیشتر بر مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انشان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.

۲-۲-۵- استفاده بیشتر از تولید داخلی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای با مارکهای معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارکهای خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.

۲-۲-۶- کاهش وابستگی به نفت (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت این که هر چه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

۲-۲-۷- مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

۲-۲-۸- پرهیز از دید کوتاه‌مدت و نگرش زودگذر به شعارهای سالیانه مانند اصلاح الگوی مصرف، جهاد اقتصادی و ... (بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳)

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان میتواند مشاهده کند. من سال ۸۶ در سخن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة و السلام) در سخنرانی اول سال گفتم که اینها دارند مسئله‌ی اقتصاد

را پیگیری میکنند؛ بعد هم آدم میتواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که میتواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ میتواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

۲-۹-۲- شرکت‌های دانش‌بنیان (بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان مورخ ۱۳۹۱/۵/۸)

ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

۲-۱۰-۲- ارتباط با دنیای خارج و رشد و شکوفایی در زمان تحریم (بیانات در دیدار دانشجویان مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۶)

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، «اقتصاد تهاجمی» را مطرح کردند؛ عیبی ندارد. بنده فکر اقتصاد تهاجمی را نکردم. اگر واقعاً یک تبیین دانشگاهی و آکادمیک نسبت به اقتصاد تهاجمی - به قول ایشان، مکمل اقتصاد مقاومتی - جود دارد، چه اشکالی دارد؟ آن را هم مطرح کنیم. آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده. البته اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میدهد و اجازه میدهد که حتی در شرائط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید؛ یعنی آن اقتصادی که در شرائط فشار، در شرائط تحریم، در شرائط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید میتواند تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی یک کشور باشد.

۲-۱۱-۲- مدیریت منابع ارزی (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت مورخ ۱۳۹۱/۶/۲)

باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

۲-۲-۱۲- مقاوم بودن اقتصاد (بیانات در حرم مطهر رضوی مورخ ۱۳۹۲/۱/۱)

وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

۳- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

پس از بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی و روشن ساختن ارتباط آن با اقتصاد اسلامی و مفاهیم اقتصادی، لازم است تا ارتباط اقتصاد مقاومتی با برخی متغیرهای اقتصادی تبیین شود. به این منظور در این بخش، ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی از طریق ارتباط آن با مفاهیم اقتصادی مانند متنوع‌سازی اقتصاد، سرمایه اجتماعی، مصرف و پس‌انداز و ... بررسی می‌شود.

۳-۱- اقتصاد مقاومتی؛ متنوع‌سازی اقتصاد

یکی از ویژگی‌های یک اقتصاد مقاوم، متنوع بودن فعالیت‌های اقتصادی و تولید در آن اقتصاد است. متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود تا در صورت وقوع شوک در یکی از بخش‌های اقتصادی، کل فعالیت‌های اقتصاد تحت تأثیر قرار نگیرند.

اقتصاد ایران نیز مانند سایر اقتصادهای صادرکننده محصولات معدنی دارای وابستگی زیادی به بخش صادراتی غالب یعنی نفت است. بخش عمده‌ای از صادرات ایران را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد و این موضوع باعث می‌شود که نوسانات در

این بخش کل صادرات و همچنین کل درآمدهای ارزی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به این منظور باید تلاش کرد تا وابستگی اقتصاد به بخش غالب کاهش پیدا کرده و درآمدهای صادراتی تنها متکی به یک بخش نباشند.^۱

۳-۱-۱- بررسی راهبرد جایگزینی واردات

راهبرد جایگزینی واردات یکی از سیاست‌هایی است که طی دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ به منظور متنوع‌سازی اقتصاد مورد توجه قرار می‌گرفت. با این حال بحران بدهی‌های خارجی در کشورهای آمریکای لاتین که این سیاست را پیروی می‌کردند در مقابل رشد بالای کشورهای آسیای شرقی که استراتژی توسعه صادرات را در دستور کار داشتند، موجب شد تا این استراتژی از بسته‌های سیاسی اقتصاددانان خارج شود.

اجرای راهبرد جایگزینی و واردات حداقل به دو دلیل به صادرات صدمه می‌زند:

اول، سیاست‌های حمایتی از صنعت محلی در بازار داخلی حمایت می‌کنند، ولی در بازار خارجی کارساز نیستند. در حقیقت تعرفه‌ها جانبداری شدیدی را در بخش صنعت به نفع فروش در بازار داخلی و علیه فروش در بازار بین‌المللی در بردارند. **دوم**، وقتی کشوری به هر عنوانی از خرید محصولات خارجی خودداری می‌کند، خارجیان هم با مقابله به مثل اقدام خواهند کرد.

بخش کشاورزی یا بخش تولیدکننده غذا به نظر عده‌ای از پایه‌های مهم قدرت^۲ کشور می‌باشد. ورنر بائر (۱۹۷۲)^۳ در مطالعه‌ای که به پیامدهای استراتژی جایگزین واردات در کشورهای آمریکای لاتین می‌پردازد عنوان می‌کند که در این کشورها مشاهده شده بخش کشاورزی از استراتژی جایگزینی واردات تأثیر منفی پذیرفته است. یکی از دلایل آن به طور ویژه عبارت است از:

تغییر جهت سرمایه‌گذاری عمومی از فعالیت‌هایی که پشتیبان کشاورزی هستند (مثل آبیاری، برق‌رسانی روستایی، ساختن جاده‌های روستا تا بازار) به نفع فعالیت‌هایی صنعتی که باعث افزایش قیمت نسبی نهاده‌های کشاورزی به تولیدات کشاورزی شده و در نتیجه سودآوری در این بخش را کاهش می‌دهد.

در نتیجه در برخی کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای آمریکای لاتین مشاهده شده که یکی از عواقب اعمال سیاست‌های جایگزینی واردات کاهش بهره‌وری بالقوه کشاورزی و اتکای هر چه بیشتر به واردات فرآورده‌های کشاورزی است. تضعیف بخش کشاورزی به طور معمول همراه با مهاجرت از روستا به شهر است که منجر به گسترش انفجاری مراکز بزرگ شهری، زاغه‌نشینی و شرایط زندگی سخت برای تعداد زیادی از افراد و بیکاری می‌شود که می‌تواند آثار منفی بر امنیت و مقاومت‌پذیری جامعه داشته باشد.^۴

۱. به منظور مطالعه بیشتر در خصوص ارتباط میان متنوع‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی به «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۱۸-۲۳ رجوع کنید.
۲. دلایل مدافعان کشاورزی به شرح زیر است: حمایت از کشاورزی و وجود این فعالیت در سطح بالایی در کشورهای صنعتی، جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرنشینی، مصرف‌گرایی و بی‌انزایی. ضمن آنکه کشاورزی می‌تواند با ایجاد ارتباط با سایر بخش‌های اقتصادی به توسعه آنها کمک کند. تأمین امنیت غذایی و حفظ استقلال کشور از دلایل دیگر حمایت از این بخش می‌باشند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به روزبهان (۱۳۷۱) مراجعه شود.

3. Werner Baer, 1972.

۴. برای مطالعه بیشتر در این مورد به سید شکری (۱۳۷۸) مراجعه کنید.

در حال حاضر خوش‌بینانه‌ترین دیدگاهی که در مورد راهبرد جایگزینی واردات وجود دارد، این است که این راهبرد در مدتی مشخص و محدود در مورد بخش‌هایی که در آینده قدرت رقابت بین‌المللی را کسب خواهند کرد پیاده شود.

۳-۱-۲- خودکفایی در بخش کشاورزی

رشد و شکوفایی بخش کشاورزی نیز یکی از راهکاری متنوع‌سازی اقتصاد است. رشد و شکوفایی در بخش کشاورزی با توجه به آنکه این بخش دارای ارتباط زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد بوده و صنایع پستین و پیشین زیادی دارد می‌تواند موجب رشد و شکوفایی اقتصادی و متنوع‌سازی اقتصاد شود. با این حال باید توجه داشت که در خصوص بخش کشاورزی باید بین دو مفهوم خودکفایی یا استقلال در بخش کشاورزی و تعادل در تراز تجاری بخش کشاورزی تفاوت قائل شد. کشورها می‌توانند در تولید برخی کالاها در بخش کشاورزی خودکفا بوده و صادرات داشته باشند و در مقابل در برخی دیگر از بخش‌ها کالاهای مورد نیاز را از طریق واردات تأمین کرده و از مزایای تجارت بهره‌مند شوند. با این حال باید توجه داشت که در شرایط تحریم حتی ممکن است کشور به تولید برخی کالاهای کشاورزی که دارای مزیت نیست نیز پردازد.

نتیجه‌گیری این بخش نشان می‌دهد که لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارایی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثری در رشد اقتصادی دارد. تجربه کشورها نشان داده است اجرای سیاست‌های جانشینی واردات در برخی موارد نه تنها منجر به متنوع‌سازی نشده، بلکه بخش‌های مذکور را تبدیل به بخش‌های تا ابد وابسته به درآمدهای بخش غالب صادراتی که در ایران نفت است، کرده است. با این حال باید توجه داشت که در یک اقتصاد مقاوم که تحریم‌های خارجی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در نظر گرفته می‌شود، باید توجه بیشتری به تأمین کالاهای استراتژیک در داخل همراه با بهره‌مندی از مزایای تجارت داشت.

۳-۲- سرمایه‌های کشور در اقتصاد مقاومتی

به طور کلی سرمایه‌های موجود در هر کشوری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- سرمایه مادی (اقتصادی) که به مثابه دارایی‌های مالی یا زیرساخت‌های مادی تعریف شده است. کل ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی، تأسیسات (راه‌ها، بنادر، کانال‌ها و ...) لزوم حمل و نقل، ماشین‌آلات، ابزار و تجهیزات و موجودی انبارها جزء سرمایه‌های مادی به حساب می‌آیند.

۲- سرمایه انسانی که به معنی سرمایه‌گذاری برای پرورش نیروی انسانی فرهیخته، سالم و مطلع است و شامل مراقبت‌های خانوادگی پیش‌دبستانی، کارآمدی بعد از پایان تحصیلات مدرسه‌ای، سرمایه‌گذاری در آموزش دانشگاهی و بازار کار از طریق جستجوی شغل و خالصه کسب انواع مهارت‌ها و توانایی‌هاست. چنانچه این مفهوم را اندکی گسترش دهیم می‌توانیم خلاقیت‌ها، استعدادها، ارزش‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و سایر کیفیت‌های نیروی انسانی را که به گونه‌ای در پیشرفت جامعه مؤثر است تحت عنوان مفهوم سرمایه‌های انسانی منظور کنیم. تفاوت مهم سرمایه انسانی با سرمایه مادی در عدم فرسایش و استهلاک‌ناپذیری آن است.

۳- سرمایه اجتماعی که می‌توان آن را شبکه‌های همراه با هنجارهای مشترک، ارزش‌ها و اجماع آرا که همکاری بین اعضای گروه را تسهیل می‌کند تعریف کرد.

این سه نوع سرمایه تا حد قابل توجهی می‌توانند جانشین یکدیگر در فرآیند حرکت اقتصاد باشند.^۱ در یک اقتصاد مقاومتی میزان کل سرمایه‌های کشور و همچنین مقدار هر کدام از انواع سرمایه‌ها باید مورد توجه دقیق قرار گیرد. دشمنان خارجی می‌توانند با تحریم یا سایر سیاست‌ها به انباشت سرمایه فیزیکی در یک کشور صدمه وارد کنند. تحریم‌ها در صورت کاهش شدید سطح زندگی در کشور هدف می‌توانند به دو صورت به سرمایه اجتماعی آسیب وارد کنند:

۱- با بدتر شدن وضعیت اقتصادی مردم آن‌چنان در مسائل اقتصادی‌شان مشغول می‌شوند که دیگر توجهی به کمک و همکاری با یکدیگر نخواهند داشت.

۲- مردم سیاست‌های نادرست دولت را مسبب وضعیت موجود بدانند که اعتمادشان به دولت کاهش یابد. راهکارهایی که دولت در یک اقتصاد مقاومتی برای مبارزه با وضعیت فوق در پیش دارد شامل این موارد می‌شود:

۱. جلوگیری از اثرگذاری اقدامات دشمنان کشور بر سرمایه‌های فیزیکی کشور. این امر می‌تواند در درجه اول معطوف به حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران باشد. بدین ترتیب دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح و تبلیغ ندای حق طلبانه کشور حداقل مانع از پیوستن سایر کشورها به اجماع دشمنان ایران شود و در حالت‌های بهتر از سرمایه‌های این کشورها استفاده کند.^۲

۲. مرحله دوم از اقدامات دولت باید در راستای کاهش اثرات سیاست‌های خارجی سایر کشورها بر سرمایه‌های کشور باشد. متنوع‌سازی سرمایه‌های کشور و جایگزینی سرمایه‌های مادی خارجی با انواع سرمایه‌های داخلی (اعم از فیزیکی، انسانی یا اجتماعی) از سیاست‌های مؤثر در این زمینه هستند. در حالی که متنوع‌سازی اقتصاد از تأثیر تحریم در زمینه ورود سرمایه می‌کاهد، افزایش سرمایه فیزیکی داخلی می‌تواند نقش جایگزینی برای سرمایه خارجی بازی کند.

۳-۳- دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی

عده‌ای از اقتصاددانان موارد دخالت دولت در اقتصاد را منحصر به موارد توزیعی، تثبیتی و کارآیی می‌دانند. به هر حال احتمالاً هیچ دولتی در جهان وظایف خود را منحصر به این موارد ندانسته است. شاید مهم‌ترین وظیفه دولت در اقتصاد مقاومتی در اجتناب از وابستگی اقتصاد به یک کشور (خواه دوست یا دشمن) یا یک محصول در زمینه تجاری (اعم از صادرات یا واردات) یا سرمایه‌گذاری باشد. در این راستا دولت با اقدام به متنوع‌سازی سرمایه‌های کشور آثار سوء اقدامات دشمنان کشور را به حداقل می‌رساند. فراهم کردن شرکای تجاری و راه‌های ارتباطی متعدد و متنوع برای محصولات کشور به همراه ایجاد ذخایر

۱. شاید ساده‌ترین مثال در این مورد مربوط به یک باشگاه فوتبال باشد که ماکل یک ورزشگاه (سرمایه فیزیکی)، دارای مربی و بازیکنان (سرمایه انسانی) با روحیه بالای همکاری (سرمایه اجتماعی) می‌باشد. در شرایط کاهش غیرمنتظره در هر کدام از این سرمایه‌ها مالک باشگاه با مدیریت صحیح می‌تواند انواع دیگر سرمایه را جایگزین سازد.

۲. توجه به مثال زیر می‌تواند در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران آموزنده باشد. علیرغم صرف هزینه بسیار زیاد ایرن برای مبارزه با مواد مخدر نگاه بین‌المللی چندان مثبتی در این زمینه وجود ندارد، به نحوی که در تعدادی از مقالات خارجی ایران هم‌ردیف افغانستان و پاکستان در زمینه مواد مخدر (کشورهای هلال طلایی) به حساب آمده است. شاید یکی از دلایل این پدیده اغراض سیاسی بعضی از بیگانگان در مورد ایران باشد، اما به نظر می‌رسد ایران به نحو شایسته‌ای مواضع بر حقش را مطرح نکرده است.

کالایی استراتژیک، متنوع‌سازی ذخایر کشور به شکل انواع ارزهای خارجی، فلزات گرانبها، اوراق بهادار و انواع سپرده‌گذاری در بانک‌های کشورهای مختلف^۱ از سیاست‌هایی هستند که دولت می‌تواند انجام دهد.

دولت می‌تواند شرایط رقابت آزاد را در اقتصاد فراهم سازد. این امر می‌تواند شامل ایجاد آزادی ورود و خروج به بازار، اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی که منجر به تأثیرگذاری بر تمام عوامل اقتصادی است به جای سیاست‌های تبعیض‌آمیز که تنها گروه‌های خاصی را مورد هدف قرار می‌دهد، حذف نرخ‌های دوگانه که زمینه فساد را فراهم می‌کند و در مجموع بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار باشد. اجرای چنین راهکارهایی به کارآمدی، یکپارچگی (عدم تکروی) سازمان‌های دولتی و کارمندانی سالم و لایق بستگی دارد. تصمیم‌گیری سریع و انعطاف‌پذیری مقامات مسئول در مواقع ضروری از نکات مهم است. چنانچه مدیران دولتی شهامت قبول خطر و مسئولیت‌های بزرگ را نداشته باشند تغییرات و تحولات لازم به ندرت انجام خواهد گرفت.

چنانچه بخواهیم به صورت فهرست‌وار سیاست‌های دولتی را برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی ذکر کنیم، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. **پیش‌بینی سیاست‌های رقیب:** مهم‌ترین جزء در اجرای هر سیاستی، در نظر گرفتن عناصر پیش‌بینی و پیشگیری در ارتباط با سیاست‌های خصمانه دشمنان است، وظیفه‌ای که دولت بهتر از بخش خصوصی می‌تواند آن را انجام دهد. در این راستا دولت باید مانند شطرنج‌باز ورزیده حرکات دشمنان کشور را تا چندین مرحله پیش‌بینی کرده و خود را آماده مبارزه با آن سیاست‌ها سازد.

۲. **جلوگیری از وضع تحریم‌های جدید، پیوستن کشورهای تازه به تحریم‌ها، گسترش دامنه تحریم‌ها، کاستن از سرعت، قاطعیت و ظرفیت تحریم‌ها:** به همین ترتیب باید سیاست‌های مقتضی برای تضعیف و حذف تحریم‌های موجود اجرا شود. در این زمینه قاعده زنجیر (قدرت یک زنجیر بستگی به توان ضعیف‌ترین حلقه آن دارد) برای مبارزه با تحریم‌ها می‌تواند اجرا شود. به این ترتیب که با انجام مذاکرات آشکار و مخفیانه با ضعیف‌ترین کشورهای تحریم‌کننده (مانند یونان، اسپانیا و پرتغال) یا پیدا کردن نقاط ضعف در قوانین تحریم منافع ملی تأمین گردد.

۳. **اتخاذ سیاست‌های مقتضی به منظور افزایش هزینه تحریم برای تحریم‌کنندگان:** این امر می‌تواند شامل اجرای سیاست‌های مقابله به مثل در برابر تحریم‌کنندگان باشد. به عنوان مثال با توجه به موقعیت خاص ایران در تنگه هرمز می‌توان در برابر بازرسی کشتی‌های ایرانی اعمال تلافی‌جویانه را انجام داد یا با استفاده از قوانین بین‌المللی کشور بازرسی‌کننده را در صورتی که موفق به کشف کالای ممنوعه نشده، مجبور به پرداخت غرامت کرد.

۴. **دور زدن تحریم‌ها:** مهم‌ترین قاعده موجود در هر بازی قاعده کسب سود است. به این ترتیب وقتی که عرضه و تقاضا برای کالایی موجود باشد مبادله هم صورت خواهد گرفت و تنها اثر تحریم بالا بردن هزینه مبادله می‌باشد. ساده‌ترین راهکار دور

۱. سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی باید با دقت بسیار بالایی صورت پذیرد. اولاً باید از سرمایه‌گذاری در بانک‌های غربی و متحدین نزدیک آنها اجتناب کرد، زیرا امکان توقیف پول کشور بسیار بالاست. ثانیاً سپرده‌گذاری باید در بانک‌های خارجی صورت پذیرد که با ایران رابطه بسیار نزدیکی داشته باشند، به نحوی که توقیف پول ایران برای آنها بسیار پرهزینه باشد. ثالثاً چنانچه خطر تحریم‌های الزام‌آوری مانند تحریم‌های سازمان ملل وجود داشته باشد، باید به کل از سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی اجتناب کرد.

زدن تحریم در حالتی که فرد یا شرکتی مورد تحریم قرار می‌گیرد، عوض کردن نام و نشانی نهاد تحریم شده است. به همین ترتیب می‌توان از واسطه‌های خارجی نیز برای انتقال کالا و فناوری پیشرفته تحریمی استفاده کرد. عملیات فوق به شرطی برای کشور سودمند است که اقتصاد ایران توانایی جذب فناوری خریداری شده را داشته باشد. فرآیند فوق با کمی تغییر در مورد فروش نفت نیز صدق می‌کند. نفتکش‌های ایران می‌توانند از پرچم کشورهای کوچک استفاده کنند، نفت را می‌توان در کشورهای دیگر ذخیره کرد و سپس با نام آن کشورها فروخت، نفت را می‌توان به طور پایاپای فروخت و یا برحسب پول کشور خریدار نفت، دریافت کرد. رشد بخش خصوصی می‌تواند تا حدود زیادی در دور زدن تحریم‌ها مؤثر باشد، زیرا تحریم‌ها به طور معمول دولت را هدف می‌گیرند و شرکت‌های خصوصی همچنان می‌توانند از مزایای تجارت برخوردار باشند. به عنوان مثال در حال حاضر صرافی‌های بخش خصوصی نقش مهمی را در انتقال ارز مورد نیاز برای تجارت بخش خصوصی ایفا کردند. اشکال روش‌های فوق تحمیل هزینه‌های واسطه‌گری به اقتصاد کشور است و هر قدر تحریم‌ها بر علیه ایران سخت‌تر شود، هزینه‌های پرداختی به واسطه‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین جلوگیری از تصویب تحریم‌های جدید ضمن حفظ منافع ملی، عملی حیاتی برای رسیدن کارآمد به اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

۵. وضع تحریم‌ها: تحریم می‌تواند تا حدودی درآمد ارزی کشور را کاهش دهد. برای مقابله با وضعیت فوق کشور راهکارهای زیر را پیش‌رو دارد:

الف) افزایش درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات (استراتژی توسعه صادرات) به همراه یافتن شرکای تجاری و راه‌های ارتباطی جدید اعم از دریایی، زمینی و هوایی.

ب) حفظ و صرفه‌جویی درآمدهای ارزی از طریق محدودسازی واردات.

تجربه کشورهای جهان نشان داده است که راهکار (الف) نسبت به (ب) نتایج بهتری را به همراه دارد. در این زمینه دولت می‌تواند با ایجاد امکانات و انگیزه برای صادرات (سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیربناها، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ...)، تأمین و کاهش هزینه‌های تولید و صدور کالاهای صادراتی (اعطای اعتبارات و وام‌های ارزی به صادرکنندگان، معافیت واردات ماشین‌آلات مربوط به تولید، استخراج، اصلاح، تبدیل و ... از پرداخت عوارض گمرکی، ایجاد ناوگان ارزان حمل و نقل دولتی، تقبل هزینه‌های بازاریابی کالاهای صادراتی توسط دولت و ...) افزایش قابلیت رقابت بین‌المللی (شناخت دقیق بازارهای صادراتی، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، تسهیلات برای ورود و خروج آسان و ارزان بازرگانان و ...) و ایجاد محیط امن برای فعالیت‌های صادراتی (کاهش تعداد مراکز تصمیم‌گیری در زمینه صادرات، ایجاد بازار سلف ارز، برقراری ثبات نسبی در سیاست‌های صادراتی و ...) صادرات را تشویق کند. ضمن آنکه تعیین نرخ ارز برپایه کمیابی آن تا حد زیادی راهکارهای (الف) و (ب) را تحقق می‌بخشد.

۶. سیاست مالی کارا و انضباط پولی: سیاست مالی دولت باید بر مبنای حفظ اقتصاد از نوسانات درآمدی بخش نفت، جلوگیری از ورود درآمدهای نفتی به کشور در دوران رونق و فراهم ساختن رشد بخش خصوصی باشد. در این راستا دولت باید یارانه‌ها را کاهش داده و هدفمند کند، نظام مالیاتی بهبود یابد، مخارج جاری دولت کاهش یابد و مخارج عمرانی دولت به سمت تشکیل سرمایه‌های فیزیکی و انسانی که در شرایط تحریم برای اقتصاد مفید هستند، هدایت شود. سیاست مالی باید در یک دوره

زمانی میانمدت با فرض درآمدهای محتاطانه نفتی تنظیم شود. چنین سیاستی اتکای هزینه‌های دولت را برای درآمدهای کوتاه‌مدت نفتی کاهش می‌دهد و درآمد ذخیره‌ای را برای مقابله با نوسانات به وجود می‌آورد. در چنین فضایی کسری بودجه دولت باید روندی نزولی داشته باشد. برای سیدن به چنین هدفی دولت باید اصلاحات ساختاری را به منظور خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی که منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح رقابت می‌شود، انجام دهد. جنبه مثبت سیاست‌های فوق در این است که منجر به رعایت انضباط در اجرای سیاست پولی خواهد شد، بنابراین نرخ تورم نیز مانند گذشته افزایش نخواهد یافت.

۷. توافقات تجاری: از آنجا که تحریم هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دهد، راهکار خنثی کردن آن، اصلاحات مربوطه در گمرک و کاهش هزینه‌ها و زمان و فرآیند تجارت توسط دولت می‌باشد.

به علاوه دولت با انجام مذاکرات لازم با کشورهای همسایه در توافقات تجاری ناحیه‌ای و یکسان کردن استانداردها بین کشورها اجازه تحرک بیشتر نیروی کار و سرمایه را خواهد داد.

۸. آگاه‌سازی جامعه: از نظر فرهنگی دولت و سایر جناح‌های اقتصادی باید از هر عملی که انتظارات مردم را فراتر از توان واقعی کشور قرار می‌دهد اجتناب کنند. مردم باید بدانند که رسیدن به همه چیز در کوتاه‌مدت و برطرف‌سازی کلیه نیازها غیرممکن است. کلیه تصمیم‌گیری‌های دولتی باید با رعایت اصول تدریج، تناسب و در نظر گرفتن امکانات انجام شود. ساختن اقتصاد مقاومتی، طرحی ضربتی نیست و ره چند ساله را یک شبه نمی‌توان پیمود.

برای ساخت اقتصاد مقاومتی کارآ باید از کلیه منابع کشور و به خصوص نیروی کار و بخش خصوصی کشور استفاده صحیح کرد. اقتصادی که بخشی از مردم آن بیکار (اعم از آشکار یا پنهان) و شاغلان آن با بهره‌وری ناچیز مشغول به کار باشند، مانند ارتشی است که قسمت مهمی از سپاهیان‌ش هیچ اسلحه‌ای ندارند و یا با سلاح‌های بسیار ضعیفی در برابر دشمن ایستاده‌اند.

افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد می‌تواند مشکل را تا حد قابل توجهی کاهش دهد، هر چند که می‌تواند با خود مشکلات جدید را به همراه آورد. انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت در کلیه نقاط در بلندمدت کسب سود بوده است (هر چند می‌توان انتظار فعالیت بخش خصوصی در جنبه‌های غیرانتفاعی را داشت) که می‌تواند باعث افزایش کارآیی در اقتصاد گردد، اما شاید در بعضی از قسمت‌های اقتصاد فعالیت‌های سودجویانه بخش خصوصی مطابق با منافع جامعه نباشد، به همین ترتیب نمی‌توان انتظار رفتار بهینه‌ای از بخش خصوصی در تولید کالاهای عمومی و مدیریت پیامدهای خارجی داشت. وجود رانت‌های متعدد نیز می‌تواند فعالیت‌های بخش خصوصی را منحرف سازد. ضمن آنکه در پاره‌ای از موارد شکل‌گیری انحصار و نابرابر شدن توزیع درآمد از اشکالات افزایش سهم بخش خصوصی می‌باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان به دامنه فعالیت‌های بهینه دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی رسید. با فرض وجود دشمنان اقتصادی، دولت در رأس مبارزه با اقدامات فوق‌تر قرار می‌گیرد، به این ترتیب که با انجام اعمال سنجیده در سطح بین‌المللی تا حد امکان از وضع تحریم‌های جدید جلوگیری کرده و می‌کوشد تا تحریم‌های قدیمی را بی‌اثر سازد. در فرآیند دور زدن تحریم‌ها و متنوع‌سازی اقتصاد، دولت و بخش خصوصی می‌توانند با هم فعالیت کنند. در گام بعد دولت باید با انجام فعالیت‌های مقتضی، جذابیت توسعه صادرات (یا متنوع‌سازی صادرات) را برای ورود بخش خصوصی افزایش دهد. در مراحل

بعد بخش خصوصی کارآ و کارآفرین متنوع سازی اقتصاد را انجام خواهد داد، در حالی که دولت با نظارت صحیح مانع از شکل گیری انحصار و ثروت های بادآورده خواهد شد.

۳-۴. فناوری در اقتصاد مقاومتی

فناوری شامل مهارت ها، دانش و روش ساخت، استفاده و انجام دادن کارهای مفید است. با این تعریف، فناوری، هر دو بخش «فناوری فرآیند» (چگونگی ساخت یک کالا) و «فناوری فرآورده» (ماهیت و مشخصات آنچه تولید می شود) را در بر می گیرد. همچنین شامل مهارت های مدیریتی، سازمانی، مالی و بازاریابی انتقال یافته از طریق مجاری مختلف، از جمله سرمایه گذاری مستقیم خارجی و عملیات غیرسهامی شرکت های فراملیتی و برنامه های آموزش فنی را شامل می شود (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸). بسیاری معتقدند که می توان با فرا گرفتن روش های تکنیکی و فنی نوین از کشورهای پیشرفته به توسعه رسید. به هر حال واقعیت موجود در جهان امروز کاملاً متفاوت است. حتی اگر بحث اقتصاد مقاومتی و تحریم های رسمی فروش فناوری مطرح نباشد، عدم صدور فناوری های مدرن از سوی کشورهای پیشرفته، صدور فناوری های کهنه و از مد افتاده، نبودن امکانات لازم جهت بهره گیری از فناوری های وارداتی و ده ها مسئله دیگر ایده فوق را رد می کند.

به طور کلی روش های انتقال فناوری به داخل کشور عبارتند از:

۱. استفاده از کتاب و وسایل اطلاعاتی چاپ و منتشر شده.
۲. آموزش نیروی کار در خارج از کشور.
۳. تماس های شخصی از طریق مسافرت، گردهمایی و ...
۴. مبادله اطلاعات و کارکنان از طریق برنامه های همکاری.
۵. استخدام کارشناس خارجی.
۶. وارد کردن محصولات واسطه ای یا ماشین آلات.
۷. مهندسی معکوس.
۸. تملک سهام.
۹. انتقال از طریق حق امتیاز یا لایسنس.
۱۰. سرمایه گذاری مستقیم خارجی.

اثرپذیری این راهکار از تحریم های اقتصادی به اندازه و شدت تحریم ها بستگی دارد.

در شرایط تحریم اقتصادی واردات فناوری از طریق راهکارهای (۸) تا (۱۰) بیشتر از سایر شیوه ها صدمه می بیند، هر چند که راه های فوق به طور کامل بسته نمی شود و می توان از امکانات سایر کشورها استفاده نمود. همین نکته در مورد راهکارهای (۲) تا (۵) صدق می کند. راهکار (۱) در مقایسه با سایر شیوه ها کمترین اثر را از هر گونه تحریمی می پذیرد و شایسته است توجه

ویژه‌ای به آن در فرآیند طراحی اقتصاد مقاومتی شود. شیوه‌های (۶) و (۷) در بدترین حالت از طریق دور زدن تحریم‌ها قابل استفاده هستند.

راه‌حلی که توسط بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌شود، تقلید بجا، به موقع و عاقلانه از روش‌های فنی کشورهای پیشرفته است. روشی که آلمان، ژاپن و روسیه در ابتدای مسیر توسعه خود با موفقیت پیمودند. تقلید فناوری باعث انتقاد، تمسخر و نارضایتی کشورهای پیشرفته می‌شود، اما این موارد نباید کشورهای در حال توسعه را دلسرد کند، آنها باید بی‌پروا علوم و فنون جدید کشورهای توسعه‌یافته را به خدمت گیرند و برای پیشرفت خود به کار بندند. در این زمینه می‌توان به مطالب زیر توجه کرد:

- رجحان فناوری‌هایی که با نهاده‌های داخلی سازگارترند (به عنوان مثال کاربر، انرژی‌بر).
- رجحان تولید کالاهای ضروری نسبت به تولید کالاهای لوکس و کم مصرف.
- رجحان فناوری‌هایی که می‌توانند به کشور در کسب مزیت نسبی کمک کنند. مشورت با صاحبان صنایع صادرکننده در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

در مجموع می‌توان گفت که در مسیر رسیدن فناوری سه راه در پیش خواهد بود:

۱. شروع از صرف با اختراع، ابداع و نوآوری (که کاری است غیرممکن و غیرعقلایی).
۲. بهره‌گیری از فرآیند صدور فناوری کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه از طریق همکاری‌های بین‌المللی، مشکلات متعددی برای طی این مسیر وجود دارد. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که کشورهای پیشرفته به آسانی فناوری نوین را در اختیار سایر کشورها قرار می‌دهند، چالش‌های دیگری خود را نشان می‌دهند. فناوری مدرن مختص شرایط کشورهای پیشرفته است. این فناوری‌ها سرمایه‌بر هستند و اغلب برای عملیات به مقیاس بزرگ طراحی شده‌اند. استفاده از این فناوری‌ها مستلزم به کارگیری مهارت‌های خاصی می‌باشد که عموماً در کشور در حال توسعه وجود ندارد. در این حالت کشور محتاج ورود تکنسین‌های خارجی می‌باشد که با خود مسائل جدیدی را به همراه می‌آورند و از همین رو است که لزوم سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی اهمیت بیش از پیش می‌یابد.

سیاست خرید فناوری باید به گونه‌ای تنظیم شود که از وابستگی اقتصاد به یک کشور یا یک نوع فناوری خاص اجتناب شود. به این ترتیب که یا اقدام به خرید فناوری قدیمی کند (دامنه انتخاب خود را منحصر به فناوری جدید نکند) یا فروشندگان جدیدی برای کسب فناوری پیدا کند (خود را منحصر به خرید از چند کشور نکند).

راهکارهای فوق علاوه بر بالا بردن قدرت انعطاف‌پذیری کشور نکات مثبت دیگری نیز دارند.

به عنوان مثال کشورهای غربی سختگیری کمتری در زمینه صدور فناوری قدیمی دارند.

۳. تقلید از فناوری کشورهای پیشرفته: در این زمینه باید توجه داشت که تا زمانی که فشارهای رقابتی وجود نداشته باشد، انگیزه اقتصادی و سازگار کردن فناوری با شرایط محلی ضعیف خواهد بود. برطرف کردن نقاط ضعف آموزش‌های دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی دولتی از ضروریات خواهد بود.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به گیلیس و دیگران (۱۳۸۵) و جیروند (۱۳۷۵) مراجعه کنید.

۳-۵. مصرف و پس انداز در اقتصاد مقاومتی

تخصیص منابع بین مصرف حال و آینده (پس انداز) یکی از بنیانی ترین انتخاب های اقتصادی است. این انتخاب نه تنها میزان رشد اقتصادی یک کشور بلکه همچنین بر سطوح زندگی نسل های بعدی هم که هنوز متولد نشده اند تاثیر می گذارد (گیلیس و دیگران، ۱۳۸۵).

اقتصاد بر سه پایه اصلی تولید، توزیع و مصرف استوار است، ولی در حقیقت تولید و توزیع وسایلی برای تامین مصرف می باشند و هدف نهایی همه تلاش ها و کوشش های اقتصادی افراد مصرف است. الگوی مصرف در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، از یک سو به این دلیل که مخارج مصرفی در درآمد ملی دارای سهم بزرگی است و از سوی دیگر آن بخش از درآمد ملی که مصرف نمی شود، سرانجام پس انداز و سرمایه گذاری خواهد شد و می تواند بر متغیرهای دیگری مانند تورم، واردات و... اثر گذار باشد.

۳-۵-۱. پس انداز

یکی از راهکارهایی که یک عامل اقتصادی (اعم از یک فرد یا کلیت اقتصاد یک کشور) برای مواجهه با خطرات در پیش دارد، پس انداز یا اجتناب از مصرف بی رویه است. البته برای اینکه پس اندازها کاملاً برای کشور مفید باشند، لازم است تا توسط واسطه های مالی به سرمایه گذاری تبدیل شوند.

بانک ها در این میان با بسیج پس اندازها، تسهیل جریانات پرداخت، تخصیص اعتبارات و حفظ نظم مالی استقرای کننده نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند.

در ایران، نرخ سود بانکی برای سال ها بطور دستوری و پایین تر از مقدار تعادلی بازار نرخ تورم مشخص شده است. بدیهی است در چنین شرایطی انگیزه برای پس انداز کاهش می یابد، فقط کسانی که نرخ ترجیح زمانی صفر یا منفی دارند یا کسانی که به هر قیمت می خواهند برای مصرف آینده پس انداز کنند، در بانک ها سپرده می گذارند. از طرف دیگر بین سود دریافتی از متقاضیان وام و نرخ بهره در بازار آزاد تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد و باعث پدیدار شدن رانت و گسترش قابل توجه فساد و درآمدهای بادآورده شده است. در چنین حالتی رانت جوین فرصتی برای فعالیت های اقتصادی تولیدی نمی گذارند. برای برطرف سازی مشکلات فوق باید آزاد سازی نرخ سود به تدریج انجام گیرد.

بازار بورس از نهادهای مهمی است که در کنار نظام بانکی می تواند آثار مهمی در اقتصاد داشته باشد. نهاد فوق می تواند با ایجاد شرایط رقابتی در اقتصاد منجر به تخصیص بهینه منابع شود. ایجاد این بازار از سوی دیگر موجب کاهش جذابیت اقتصاد زیرزمینی شده، سرمایه ها را به طرف بخش های تولیدی هدایت می کند. شرکت ها نیز جهت پذیرش و عرضه سهام در بورس به رقابت با یکدیگر پرداخته که این امر موجب بهبود ساختار آنها می گردد. از سوی دیگر چون شرکت هایی که بازده بالا دارند رشد ارزش سهام خود استفاده می کنند، صنایع فاقد مزیت آشکار خواهند شد. بورس می تواند مالکیت را از حالت سنتی خارج کرده و گسترش مالکیت را به همراه داشته باشد که به کاهش اختلاف درآمدی خواهد انجامید. علاوه بر همه موارد فوق، بازار

بورس می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری را برای پس‌انداز کنندگان افزایش دهد، معضل کمبود سرمایه را برای شرکت‌ها حل کند و درجه ریسک پذیری افراد را افزایش دهد، معضل کمبود سرمایه را برای شرکت‌ها حل کند و درجه ریسک پذیری افراد را افزایش دهد (سیدشکری، ۱۳۸۳، ج). در حال حاضر فقدان بعضی از نهادهای مهم در بورس کشور مانع از کارکرد بهتر این سازمان شده است.

بعضی از این نهادها عبارتند از:

- **بانک‌های سرمایه‌گذاری:** بانک فوق بر خلاف نامش نه سرمایه‌گذار است و نه بانکدار، بلکه واسطه‌ای بین ناشر و اوراق بهادار و سرمایه‌گذار خرید اوراق است. مانند هر واسطه دیگری بانک سرمایه‌گذاری مشکل تامین سریع نقدینگی و بی‌اطلاعی بازاریابی سهام تولید کننده را حل می‌کند.^۱

- **شرکت‌های رتبه بندی اوراق بهادار:** این شرکت‌ها اوراق بهاداری را که به تازگی منتشر شده است از نظر ریسک و بازده و میزان سودآوری رتبه بندی می‌کنند و اطلاعاتی از اوضاع مالی شرکت‌ها را در جراید مالی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند. به این ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذار و ناشر کاهش می‌یابد.^۲

اجرای نکات فوق تا حد قابل توجهی مشکل نوسانات در بازار بورس را حل می‌کند، با این حال بازار فوق حساسیت شدیدی به مسائل بین‌المللی دارد که میتواند در شرایط حساس، کشور را در تنگنا قرار دهد.

یکی از نهادهای مالی مهم که نقش مهمی در انباشت سرمایه و تامین امنیت برای مردم دارد صنعت بیمه است. صنعت بیمه ماهیتاً به منظور رویارویی با خطرات و کاشتن از پیامدهای حوادث غیر مترقبه ایجاد شده است. با این حال صنعت بیمه با وجود داشتن سابقه ۷۰ ساله فعالیت در ایران هنوز از جایگاه عمومی مناسبی برخوردار نبوده و نه تنها بسیاری از خدمات متنوع بیمه‌ای رایج در دنیای امروز در کشور ما عرضه نمی‌شود، بلکه همین خدمات محدود فعلی نیز نزد قشر وسیعی از جامعه ناشناخته است. طی ۷۰ سالی که از عمر صنعت بیمه در ایران می‌گذرد، اگر خدمات بیمه‌ای متناسب با کارکردهای تعریف شده برای بیمه فعالیت می‌کند، تا حدود زیادی می‌توانست از پیامد شوک‌های با کارکردهای تعریف شده برای بیمه می‌کرد، تا حدود زیادی می‌توانست از پیامدها شوک‌های وارده به اقتصاد در شرایط تحریم جلوگیری کند.

به عنوان مثال بیمه صادرات و کالاهای صادراتی و یا بیمه ارزی و پوشش نوسانات نرخ ارز، می‌توانست تاثیر زیادی در کاهش آثار تحریم بر صادر کنندگان داشته باشد. در حالی که در حال حاضر یکی از تحریم‌های وارده به اقتصاد ایران عدم بیمه محموله‌های صادراتی ایران و بخصوص نفتکش‌های ایرانی است، تقویت صنعت بیمه در کشور و ایجاد بیمه‌هایی که دارای مقبولیت بین‌المللی باشند، می‌توانست در این شرایط موثر باشد.

۱. با این حال باید توجه داشت که ورود ابزارهای مالی جدید به بازارهای ایران نیازمند تدوین قوانین و مقررات ویژه آنها و تطابق این قوانین با قانون بانکداری بدون ربا و سایر مقررات اسلامی است. ورود این ابزارها به بازارهای مالی ایران بدون مشخص ساختن ارتباط آنها با عقود اسلامی و تعیین سازوکار تعیین نرخ سود آنها، کارآیی چندانی نخواهد داشت.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به مجتهد و حسن زاده (۱۳۸۷) و فقهی (۱۳۸۶) مراجعه شود.

در هر صورت باید عنوان داشت که صنعت بیمه بطور کلی و ذاتی هماهنگی زیادی با یک اقتصاد مقاوم داشته و برای مقاوم سازی اقتصاد ایجاد شده است. در صورتیکه این صنعت متناسب با آنچه برای آن تعریف شده به فعالیت پردازد، می تواند تا حدود زیادی در کاهش تاثیر شوک ها و نوسانات وارده به اقتصاد موثر باشد.

در مجموع آنچه در خصوص موضوع پس انداز مطرح شد، ما را به این جمع بندی می رساند که وجود ابزارهای مالی کارآ و نوین در یک اقتصاد مانند بانک، بورس و بیمه باعث هدایت پس اندازها به تولید شده و از طرف دیگر اقتصاد را برای دوران رکورد و کمبود منابع تجهیز می کند. به همین جهت در راستای حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی باید شرایط را برای فعالیت این نهادهای مالی فراهم کرد و تلاش کرد تا از این طریق و با استفاده از جذابیت های ایجاد شده توسط این نهادها، پس اندازهای جامعه به طریقی هدفمند هدایت شوند.

۳-۵-۲. مصرف

مصرف در طرف مقابل پس انداز قرار داشته و ارتباط متقابلی بین مصرف و پس انداز وجود دارد. اجرای سیاست هایی به منظور کاهش دادن مصرف منجر به افزایش پس انداز شده و در نتیجه توان مقاومتی اقتصاد را در شرایط رکورد و تحریم افزایش می دهد. برخی از کارشناسان افزایش قیمت ها را راه اصلی مبارزه با مصرف بی رویه می دانند. به هر حال باید دانست که تنها افزایش قیمت ها الزاماً همیشه بهترین راه حل نیست. محدودیت هایی که در این زمینه وجود دارند عبارتند از:

- هنگامی که دولت خود مصرف کننده بزرگ بعضی از کالاها مثل بنزین یا برق است، افزایش قیمت، مصرف کالا را به میزان مهمی کاهش نمی دهد، زیرا مصرف بخش دولتی حساسیت چندانی به قیمت ندارد.

- وجود مشکلات ساختاری که مانع از انعطاف پذیری تقاضای بعضی کالاها حتی برای بخش خصوصی می شود. به عنوان مثال در دسترس نبودن خودروهای کم مصرف برای بسیاری از مردم، اجبار مردم برای خروج از خانه برای انجام برخی از امور غیر ضروری (به علت ضعف زیر ساختهای ارتباطی مانند خطوط تلفن و اینترنت و اشکالات نظام اداری)، طولانی بودن مسافت مسافرت کاری در شهر (به علت توزیع به شدت نابرابر امکانات شهری)، ضعف شدید امکانات حمل و نقل عمومی همگی باعث کم کشی تقاضای بنزین خواهند شد.

۳-۵-۳. راهکارهایی برای کاهش مصرف و افزایش کارایی

همان طور که اشاره شد مخارج زیاد بخش عمومی و مشکلات ساختاری از عوامل افزایش مصرف در کشور ماست. از این رو برخی راهکارهای مبارزه با این عوامل و اصلاح آنها عبارتند از:

۱. خصوصی سازی: خصوصی سازی از سوی اقتصاددانان نئوکلاسیک به عنوان راه حلی برای کاهش مخارج دولت مطرح شده است. اصلاح اصل چهل و چهارم قانون اساسی در کشور ما نیز نشان از عزم عمومی در اجرای خصوصی سازی دارد. با این حال بیکاری گسترده و ایجاد انحصارات خصوصی که بعد از خصوصی سازی در تعدادی از کشورها رخ داده است^۱

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ج.دی. براون (BROWN) و همکاران (۲۰۰۸) و مارتین (MARTIN) مراجعه شود.

می‌تواند به عنوان یک نقطه ضعف جدی در تشکیل اقتصاد مقاومتی مطرح شود. در شرایط عادی مسئولین اقتصادی می‌توانند امیدوار باشند که منابع خارجی به شکل وام یا سرمایه‌گذاری خارجی مشکل بیکاری را تا اندازه‌ای حل خواهد کرد و یا مانند کشورهای سوسیالیست سابق بدون هیچ توجهی به نکات منفی تنها به سرعت خصوصی سازی را اجرا کنند. طبیعی است که چنین شرایطی در یک اقتصاد مقاومتی قابل قبول نیست.

در یک اقتصاد مقاومتی دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های صحیح ضمن حفظ سطح بالای کارآیی که به علت سیاست‌های خصوصی سازی حاصل شده است، مانع از افزایش بیکاری شود. در این راستا دولت باید سیاست‌های مقتضی را برای تشویق مالکان جدید به افزایش تولید اتخاذ کند. این اقدامات می‌تواند شامل حذف مقررات دست و پاگیر مثل کنترل‌های قیمتی، توسعه بازارهای مالی، تقویت روحیه کارآفرینی، کمک به بنگاهها برای پیدا کردن بازارهای تازه (مخصوصاً در کشورهای خارجی) و حفاظت از رقابت در بازار باشد. در این راستا باید از اجرای سیاست‌های خصوصی سازی در صنایعی که از بازارهای انحصاری برخوردارند اجتناب شود.

زیر ساخت‌های کارآمد حمل و نقل که امکان تحریک نیروی کار را افزایش می‌دهد و نظام قوی آموزشی که توانایی کارگران را در یافتن مشاغل جدید افزایش می‌دهد از سایر عوامل موثر در کاهش بیکاری‌های ناشی از خصوصی سازی می‌باشند. در نهایت وجود نظام تامین اجتماعی کارآمد که از افراد بیکار حمایت می‌کند می‌تواند آثار مضر بیکاری بر امنیت اجتماعی جامعه را به حداقل برساند. نکات فوق به ما هشدار می‌دهد که قبل از اجرای هر سیاست خصوصی سازی، باید از اجرای کارآمد نهادهای فوق مطمئن شد.

از سوی دیگر خصوصی سازی تنها راهکار افزایش کارآیی در اقتصاد نیست، چنانچه به نظر مسئولین هزینه‌های خصوصی سازی هنوز بالا می‌باشد، می‌توان با انجام راهکارهای مدیریتی زیر بدون کاهش سطح اشتغال کارآیی را در اقتصاد افزایش داد.

۲. تمرکز زدایی: تمرکز زدایی (انتقال مسئولیت‌های اداری از سطوح بالا به سطوح پایین تر بدون تفویض قدرت سیاسی)، تفویض (انتقال قابل توجه مسئولیت‌های سیاسی مسئولین پایین تر) و ایجاد نمایندگی (انتقال بعضی از وظایف دولت به یک سازمان نیمه مختار غیر دولتی غیر انتفاعی) از راههای دیگر کاهش مصرف است. برای انجام این امور باید توانایی مسئولین رده‌های پایین تر به دقت شناسایی شود. چنین سیاست‌های از یک طرف سبب بهبود در اداره امور سازمان‌های رده پایین، کیفیت بهتر در ارائه خدمات و در نتیجه کاهش هزینه‌ها خواهد شد. همچنین بکارگیری نظام عدم تمرکز در سطح مدیریتی نیز موجب می‌شود تا مدیران ارشد فرصت بیشتری برای رسیدگی به وظایف اساسی خود نظیر برنامه ریزی راهبردی، نظارت در اجرا، ایجاد هماهنگی و اخذ تصمیمات کلی - که نیاز به زمان و فرصت کافی دارد - بیابند.

۳. تقویت مدیریت دولتی از طریق تقویت ارتباطات، مقررات زدایی، مطابق برنامه پیش رفتن و پرهیز از افتادن در دام وقت گذرانی و روزمره گی.

۴. جلوگیری از دخالت‌های بیش از حد جریان‌های سیاسی در ساختار اداری کشور و قرار گرفتن روابط صنفی و حرفه‌ای در سازمان اداری.

۵. قانونگذاری با توجه به سیر تحولات و تغییرات پر شتاب محیطی و نیازهای آتی. در این خصوص، قابلیت اجرای قوانین و استثنای پذیر بودن آنها از نکات مهم می‌باشد.
۶. تغییر نگرش ارزیابی مدیران دولتی. در یک سیستم سنتی، مدیر دولتی موفق است که به اهداف مشخص شده (بدون توجه به هزینه‌های آن) برسد. توجه به هزینه‌های انجام شده برای رسیدن به هدف ارزیابی مدیران دولتی راه را بر ظاهر سازی و عوام فریبی و همچنین سوء تدبیر ناشی از انتصاب‌های به دور از شایسته‌سالاری، تا حد زیادی خواهد بست.
۷. به وجود آوردن و تقویت مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی در سازمانهای اداری. در این میان دولت‌ها و ساختارهای اداری، موسسات آموزشی و فرهنگی، رسانه‌های جمعی و غیره در ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی و متعاقباً عمل به آن نقش اساسی دارند. به خصوص در جامعه ای نظیر ایران که دولت در اداره بسیاری از سازمان‌ها مستقیماً مشارکت دارد.
۸. تقویت اصول اخلاقی در سازمان‌های دولتی^۱. کاملاً بدیهی است برای مقابله با اقدامات ضد امنیتی دشمنان در داخل کشور، باید در اقتصاد مقاومتی توجه ویژه ای به حفظ امنیت داشت، یا به نظر عده ای از آنجا که به علت تحریم ممکن است داروهای مخصوص وارد کشور نشود باید کشور در تولید کلیه این موارد بدون توجه به هزینه آن خود کفا شود، به همین ترتیب استدلال می‌شود که برای ساخت اقتصاد مقاومتی باید روحیه مردم کاملاً تغییر یابد، به نحوی که تنها به منافع جامعه بیانندیشند. در این زمینه توجه به نکات زیر ضروری می‌باشد:
۹. توجه کامل به رعایت اصول «پیشگیری بهتر از درمان است» در مخارج دولتی در زمینه تامین امنیت، بهداشت، حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی و غیره. به عنوان مثال دولت می‌تواند به جای مخارج عظیم برای نیروهای انتظامی با دادن هشدارهای مربوطه و بالا بردن سطح آگاهی مردم از رخ دادن بسیاری از جرائم جلوگیری کند. تامین روشنی معابر در شب، اجتناب از تغییرات جمعیتی شدید در شهرها و محلات، رعایت اصول امنیتی در ساخت خانه‌ها (به عنوان مثال: اجبار به داشتن پارکینگ برای واحدها) و سیاست‌های مشابه از بسیاری از جرائم کوچک و بزرگ خواهد کاست. در زمینه بهداشت دولت می‌تواند به جای صرف مخارج عظیم بر روی داروها و وسایل پزشکی مدرن، از بیمار شدن مردم جلوگیری کند. امری که با دادن آگاهی‌های لازم به مردم در زمینه رژیم غذایی مناسب (اصلاح الگوی تغذیه و پرهیز از مصرف بی رویه غذاهای آماده) و تشویق مردم به ورزش انجام می‌گیرد.
۱۰. توجه به منفعت جامعه در قبال مخارج دولت. به عنوان مثال دولت به جای صرف مخارج هنگفت برای وسایل و داروهای پزشکی مدرن که چند سال به عمر افراد سالخورده می‌افزاید، توجه خود را به مسائل مربوط به مرگ و میر جوانان معطوف کند^۲. در کشور ما یکی از دلایلی مهم مرگ جوانان حوادث رانندگی است. با انجام اقدامات مربوطه که منجر به تلفات کمتر جوانان خواهد شد، جامعه می‌تواند به مدت طولانی از کالاها و خدمات تولید شده توسط آنها استفاده کند. البته این امر نباید بهای بی توجهی کامل به وضعیت سلامت سالخوردگان انجام شود.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ویترو و دیگران (۱۳۸۳) و غلامی و گودرزی (۱۳۹۰) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ساموئلسون و نوردهاوس (۱۳۸۸) مراجعه شود.

۱۱. همسو سازی منافع مدیران دولتی با منافع جامعه. در دنیای مدرن نمی‌توان از افراد انتظار داشت که تنها به منافع جامعه بیندیشند و هیچ توجهی به منافع شخصی نداشته باشند، بلکه بایستی در درون دستگاه اداری مدیر با پاداش‌های مادی و معنوی همراه باشد تا کارآیی و سلامت سیستم به نفع مدیر نیز باشد. برای رسیدن به این هدف باید نظام پاداش و تنبیه، نظام‌های انگیزشی، نظام‌های پرورشی و نظام‌های گزینشی سالم باشد. یعنی افراد به دقت انتخاب شوند، به دقت از آنها کار خواسته شود، به دقت ارزیابی شوند و به دقت مورد پاداش یا تنبیه قرار گیرند.^۱

۳-۶. حمل و نقل و ترانزیت در اقتصاد مقاومتی

در جهان امروز، حمل و نقل از جمله بخش‌های زیر بنایی اقتصاد است که فرایند توسعه اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده و اساس مبادلات بازرگانی و کلید توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

برخی متخصصان حمل و نقل بر این باورند که بین کارآیی در بخش حمل و نقل و کارآیی عمومی اقتصاد و رشد اقتصادی، رابطه ای مستقیم وجود دارد و حمل و نقل را واسطه میان فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی در سطح ملی و بین‌المللی می‌دانند.

گروهی دیگر، حمل و نقل را قلب جریان توسعه دانسته و معتقدند حمل و نقل در توزیع درآمدها و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش آثار فقر و اختلاف درآمد روستائینان و شهرنشینان نقشی موثر دارد.^۲

بطور دقیق تر می‌توان بیان کرد که رشد اقتصادی برخی از اجزای ساختار رشد، نظیر بخش کشاورزی، خدمات و حمل و نقل و ارتباطات و... بر خلاف بخش‌هایی نظیر نفت و صنعت و معدن در ارتباط با مشارکت عمده دهک‌های پایین درآمدی جامعه است و گروه‌های پایین درآمدی در آن سهم بسزایی دارند. رونق و تحرک چنین بخش‌هایی می‌تواند در کاهش نابرابری درآمد نقش داشته باشد. نکته قابل ذکر دیگر این است که گسترش شبکه حمل و نقل و ارتباطات در جهت کاهش هزینه‌های حمل و نقل در جهت استفاده از مزیت نسبی در برخی از کالاها به خصوص کالاهای کشاورزی که توسط قشر پایین درآمدی تولید می‌شود، نقش عمده ای دارد (مهرگان و دهقانی ۱۳۸۹).

شبکه حمل و نقل آثار غیر قابل انکاری در حفظ امنیت غذایی و قطع وابستگی به بیگانگان دارد. به عنوان مثال در کشور کاستاریکا قبل از ساخت آزاد راه مدرن، حمل و نقل گاوهای گوشتی به صورت گله‌های «روی پای خود» منجر به ۴۰ درصد افت وزن و ضرورت واردات گوشت به کشور بود. در حالی که امروزه با تریلی‌های مخصوص گاوها را یک شبه تحویل داده و کشور از نظر گوشت خود کفا شده است. در تایلند، احداث آزادراه «دوستی» موجب افزایش تولیدات نیشکر، سبزیجات، موز و دیگر میوه‌ها به سه برابر، در مدت سه سال گردید.

در بولیوی، ساخت آزادراه زمان مسافرت در فصل باران را از چند هفته به ۱۵ ساعت کاهش داده و کشور را از نظر برنج خود کفا نموده، زیرا قبل از آن قیمت برنج داخلی به علت مشکلات حمل و نقلی ۵۰ درصد بالاتر از برنج وارداتی بود.^۱

۱. به هاشمی (۱۳۸۴) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به شاتلزو وینیلز (SHATZ&VENABLES:2000) خادارو و یستانا (KHADAROO&SEETANAH,1993) ارنبرگ (ERENBERG,1993) و هوشمند و همکاران (۱۳۸۵) مراجعه شود

انقلاب به وجود آمده در حمل و نقل در قرن بیستم، بشر را نسبت به رابطه مستقیم عدم تحرک با فقر آگاه نمود. اکنون با اطمینان می‌توان بیان کرد که با گسترش حمل و نقل امکان دسترسی به بسیاری از منابع دست نخورده فراهم می‌شود. علاوه بر کشاورزی، بخش صنعت نیز به سختی از کمبود امکانات حمل و نقل صدمه می‌خورد. کارخانه‌ها نیاز به تأمین منظم سوخت، مواد اولیه، قطعات یدکی و سیستم قابل اعتماد برای حمل محصولات تولید شده خود دارند. ضعف امکانات حمل و نقل داخلی حتی به موقعیت‌های جهانی بازار محصولات یک کشور صدمه وارد می‌سازد (همان).

به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان بین‌المللی، مطالعات انجام شده در سطح کلان اقتصادی برخی کشورها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حمل و نقل باعث افزایش رشد اقتصادی این کشورها شده و با افزایش بازدهی اجتماعی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، موجبات سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل را فراهم آورده است. با بهبود زیر ساخت‌های ارتباطی، هزینه جابجایی کاهش می‌یابد و هر چه جابجایی بیشتر شود، تقسیم جغرافیایی کار فزونی یافته که در نتیجه کیفیت کالا افزایش و بهای تمام شده خدمات کاهش می‌یابد. در بین روش‌های مختلف حمل و نقل، حمل و نقل ریلی از مزایایی چون مصرف سوخت کمتر، سازگاری با محیط زیست، ایمنی بالاتر، قابلیت انتقال انبوه کالا و مسافر و راحتی سفر برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حمل و نقل ریلی، مصرف کمتر سوخت در مقایسه حمل برابر بار و مسافر، نسبت به جاده و سایر شقوق حمل و نقل است. این ویژگی اساسی، موجب رویکرد صحیح و اصولی تصمیم‌گیران مبنی بر برتری این بخش بر سایر شقوق حمل و نقل شده تا آن را مبنای توسعه حمل و نقل کشور قرار دهند.

مزیت‌های نسبی راه آهن باعث شده تا مراکز عمده عرضه و تقاضا نظیر بندار، معادن و سیلوها در کشورهای پیشرفته با خطوط ریلی به هم متصل شوند. به عبارتی می‌توان گفت راه آهن سرپل ارتباطی مکانی بین عرضه و تقاضاست. حمل و نقل ریلی می‌تواند نه تنها به طور مستقیم ایجاد کننده شغل باشد (در شکل کارمندان راه آهن)، بلکه به افزایش مسافرت‌های شغلی و تفریحی مردم، صنعت گردشگری و هتلداری و... نیز رونق می‌گیرد.

همچنین مصرف کمتر انرژی این بخش در راستای تدابیر ارزنده سیاستگذاران بخش نفت برای کاهش و بهینه سازی مصرف انرژی، قابل ارزیابی و تأمل است.

گسترش راه آهن همچنین می‌تواند از تلفات سوانح رانندگی و هوایی بکاهد که مورد آخر می‌تواند به تقویت مواضع کشور در برابر تحریم‌های صنعت هوایی کشور بیافزاید. البته باید توجه کرد که هزینه‌های حمل و نقل دریایی از سایر رشته‌ها کمتر است که به علت عدم وجود راه آبی و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در ایران محدودیت‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. با این حال توسعه حمل و نقل آبی بین بندار و جزایر مختلف ایران و کشورهای همسایه بدون فایده نیست.

افزایش ارتباطات بین مردم کشور تنها آثار محض اقتصادی ندارد، بلکه می‌تواند باعث افزایش همبستگی ملی بین اقوام مختلف کشور و تقویت سرمایه اجتماعی شود. در صورت وقوع جنگ و تجاوز دشمنان به خاک کشور، نیروهای دفاعی با استفاده از شبکه کارآمد حمل و نقل می‌توانند خود را به سرعت به مناطق مورد نظر برسانند.

تحولات اقتصادی صورت گرفته در دهه‌های اخیر به گونه ای است که موسسات تجاری تمایلی به حمل حجم زیادی از کالاها ندارند و جای اینکه فضایی را به انبار کردن کالاها اختصاص دهند اغلب به تحویل به موقع تأکید می‌کنند که این خود امنیت و سرعت روزافزونی را در امر ترانزیت می‌طلبد. از این رو امروزه حمل و نقل عبوری یا ترانزیت کالا یکی از پرسودترین خدمات تجاری دنیا به شمار می‌رود و کشورهایی که در مسیر کریدورهای ترانزیتی قرار می‌گیرند، می‌توانند بیشترین بهره را از این تجارت ببرند، در مقوله ترانزیت، امنیت و اقتدار سیاسی و اقتصادی، افزایش درآمدهای ملی، اشتغال زایی، توسعه پایدار، جذب سرمایه‌گذاری و... به عنوان صنعتی کاملاً بین‌المللی و در تعامل با دیگر کشورها متبلور می‌شود.

برخورداری از امنیت و مزیت جغرافیایی از مهمترین عواملی است که می‌تواند به خوبی زمینه ساز توسعه این صنعت در کشور ما باشد و بر همین اساس، ایران همواره به عنوان یک مسیر ترانزیتی کوتاه و مناسب مورد توجه صاحبان کالا بوده است. نیاز کشورهای آسیای مرکزی در دسترسی به آب‌های آزاد از یک سو و رشد فرآیند اقتصادی کشورهای شرق و جنوب آسیا و علاقمندی آنان به تجارت با غرب از سوی دیگر و همچنین همسایگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و دارا بودن مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی، موقعیت ممتازی را برای کشور ما به ارمغان آورده است، زیرا فعالیت اقتصادی ترانزیت علاوه بر کسب درآمدهای ارزی و ایجاد ارزش افزوده، نقش موثری در فرآیند کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید دارد و از طریق ایجاد اشتغال، افزایش امنیت ملی، توسعه و عمران منطقه ای و بین‌المللی در جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی حائز اهمیت است.

اهمیت ترانزیت فراتر از مسائل صرف اقتصادی می‌باشد. چنانچه کشورهای منطقه برای واردات کالاهای خود از خاک ایران استفاده می‌کنند، بدین ترتیب مسیر اقتصاد آنها وابسته به وجود امنیت و ثبات در ایران می‌شود. در چنین حالتی انجام اعمال خصمانه این کشورها بر علیه ایران برای آنها پر هزینه خواهد بود و به احتمال قوی آنها چنین اعمالی را انجام نخواهند داد. مجموعه نکات فوق، تقویت بخش ترانزیت را به یک ضرورت غیر قابل انکار تبدیل می‌سازد.

چنانچه به طور دقیق‌تری آثار تحریم بر نظام حمل و نقل کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، باید نقطه ضعف نظام فوق مورد بررسی قرار گیرد.

آمارهای موجود نشان از وابستگی قابل توجه تجارت داخلی ایران به حمل و نقل دریایی دارد. بر همین اساس به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل، حمل و نقل دریایی به عنوان مهم‌ترین و آسیب‌پذیرترین بخش اقتصادی شناسایی شده و در تیررس تحریم‌های غیرمنصفانه کشورهای متخاصم قرار گرفته است^۱ با این حال با توجه به قدرت ایران در بازرسی کشتی‌های در حال گذر از تنگه هرمز بعید به نظر می‌رسد که دشمنان اقتصادی از حربه فوق استفاده حداکثری کنند. بهترین راهکار برای ایران متنوع سازی مسیرهای حمل و نقل از طریق گسترش امکانات بنادر دریای خزر و شبکه‌های ریلی و جاده ای می‌باشد. به همین طریق می‌توان اقدام به متنوع سازی خدمات بندرهای کشور نمود. تقویت زیر ساخت‌های مربوطه متناسب با شرایط بازار (لایروبی کانال‌ها، استفاده از جرثقیل‌های مناسب، کاهش هزینه‌های بندری کشتی و...) و در یک کلام

توجه بیشتر به نظام حمل و نقل در اسناد توسعه ای کشور مثل برنامه پنج ساله از راهکارهایی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد.

۳-۷. نفت و اقتصاد مقاومتی

اهمیت بالای صنعت نفت در اقتصاد ایران مورد انکار هیچ شخص یا گروهی (اعم از دوست یا دشمن) نیست. با توجه به اهمیت فوق، وجه مشترک کلیه دشمنی های اقتصادی صورت گرفته بر علیه ایران ضربه زدن به صنعت نفت کشور بوده است. این امر عموماً از طریق تحریم خرید و سرمایه گذاری در بخش فوق صورت گرفته است. راه حل کلی برای مبارزه با اقدامات فوق، متنوع سازی درآمدهای ارزی کشور از طریق گسترش صادرات غیر نفتی می باشد.

چنانچه قصد تقویت صنعت نفت در برابر تهدیدهای اقتصادی را داشته باشیم، باید در ابتدا تهدیدهای فوق را به دقت شناسایی کرد. اقدامات خصمانه دشمنان در زمینه صنعت نفت ایران، خود را در زمینه تحریم سرمایه گذاری در صنعت و تحریم خرید نفت نشان داده است. در حالی که پیچیدگی های بازار نفت و وجود تقاضای بالا برای آن ایران را قادر ساخته تا تحریم های نفتی را پشت سر بگذارد، وجود مشکلاتی در صنعت نفت باعث شده تا اثر ممنوعیت سرمایه گذاری در بخش فوق بیشتر شود. مشکلات فوق عبارتند از:

۱. سرمایه بری بالای صنعت نفت و گاز.
 ۲. کمبود سرمایه های داخلی برای سرمایه گذاری در این حوزه.
 ۳. عمر بالای چاه ها و تجهیزات نفتی ایران.
 ۴. تخریب و آسیب دیدگی بخشی از تجهیزات در جریان جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران.
 ۵. وجود منابع مشترک نفتی و گازی ایران با کشورهای دیگر و لزوم تسریع در بهره برداری از آنها (نوروزی، ۱۳۹۱).
- راهکارهایی که برای حل مشکل فوق می توان به کار بست عبارتند از: (با یادآوری این نکته که اجرای این راهکارها در میادین مشترک از اولویت بالاتری به سایر میادین برخوردار هستند):
- الف) تشویق نوآوری در کلیه بخش های صنعت نفت.
 - ب) تخصیص قسمتی از درآمدهای هر حوزه نفتی برای سرمایه گذاری در آن
 - ج) انتشار اوراق مشارکت داخلی و خارجی در زمینه صنعت نفت
 - د) جذاب ساختن صنعت نفت برای سرمایه گذاران خارجی از طریق ایجاد امنیت و ثبات.
 - ه) اجرای خصوصی سازی و سایر راهکارهای ارتقای بهره وری.
 - و) فروش سهام شرکت های نفتی در بورس.
 - ز) در نظرگیری تسهیلات خاص برای صنایع تولید کننده تجهیزات نفتی.
 - ح) تربیت نیروهای متخصص حوزه نفت.

در زمینه مبارزه با تحریم خرید نفت ایران راهکارهای زیر وجود دارد:

۱. به کارگیری روش‌های جدید بازاریابی متناسب با شرایط روز. به عنوان مثال با توجه به تحریم بیمه نفتکش‌های حامل نفت ایران، شرکت‌های بیمه داخلی می‌توانند این وظیفه را انجام دهند یا خود نفتکش‌های ایرانی اقدام به حمل نفت ایران کنند. در اجرای راهبرد فوق باید از ایجاد وابستگی به چند خریدار محدود به شدت اجتناب کرد.

۲. فروش نفت به واسطه‌ها. اشکال روش فوق تحمیل هزینه‌های دلالی به اقتصاد کشورمان می‌باشد. راهکارهای فوق با این ایراد روبرو هستند که با افزایش هزینه‌ها، سود فروش نفت ایران را کاهش می‌دهند. ایران می‌تواند با افزایش تعداد خریداران و به وجود آوردن رقابت در بین آنها ضرر خود را کمتر کند. در این راستا تقویت بورس نفت می‌تواند گامی در جهت رسیدن به هدف فوق باشد.

۳. تبدیل نفت به فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر نفت و صادرات آن فرآورده‌ها و یا ارائه خدمات. تبدیل نفت به فرآورده‌های و خدمات مبتنی بر نفت و صادرات آن به فرآورده‌ها و یا ارائه خدمات دو مزیت دارد.

نخست، تحریم محصولات و خدمات حاصل از نفت بسیار دشوارتر از خود نفت است. زیرا به عنوان نمونه، محموله‌های فرآورده‌های نفتی مانند بنزین کوچک تر از محموله‌های نفتی است و خرید و فروش آنها ساده تر از نفت انجام می‌شود یا مثلاً ارائه خدمات ترانزیت کالا از کریدورهای عبوری از کشور که نیاز به سوخت‌هایی مانند گازوئیل یا سوخت هواپیما دارد، چیزی نیست که به سادگی تحریم شود و کسانی که از این خدمات استفاده می‌کنند به راحتی دست از آنها بکشند.

همچنین مصرف کنندگان کالاها و خدمات مبتنی بر نفت در همسایگی ایران وجود دارند و تقاضای آنها برای دریافت این محصولات بسیار زیاد است.

به عنوان نمونه کشورهایمانند عراق، افغانستان و پاکستان به شدن به بنزین و گازوئیل نیاز دارند. و به خصوص با توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی این کشورها نیاز آنها به فرآورده‌های نفتی افزایش خواهد یافت.

به این ترتیب تبدیل نفت به محصولات و خدمات مبتنی بر نفت راهبرد دیگری است که هم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد و هم باعث رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه زنجیره ارزش افزوده و صادرات می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱).

۴. تمرکز سیاستگذاری خارجی بر کشور عربستان سعودی و سایر کشورهای دارای منابع مازاد نفتی. آمریکایی‌ها ضمن تحریم نفتی ایران، تمایل دارند تا هزینه‌های آن (افزایش قیمت نفت) برای خود را کاهش دهند. در این راستا آنها امیدوارند تا کشورهای فوق با افزایش تولید، سهم ایران را اشغال کنند. دستگاه سیاستگذاری ایران باید با استفاده از ابزارهای موجود مانع از همکاری این کشورها با دشمنان ایران شود.

۴- فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد مقاومتی

اجرای اقتصاد مقاومتی یا حفاظت اقتصاد داخلی در برابر تهدیدهای اقتصادی دشمنان می‌تواند فوائد متعددی برای جامعه ایرانی داشته باشد. تحریم‌های نفتی می‌تواند جامعه ایرانی را متوجه وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی سازند. نقطه ضعفی که

در زمان کاهش قیمت نفت مورد توجه جامعه قرار می‌گرفت و با بهبود قیمت نفت به فراموشی سپرده می‌شد. تزریق بی‌رویه درآمدهای نفتی که موجب به وجود آمدن رانت‌های متعدد می‌گردید، توجه فعالین اقتصادی را از فعالیت‌های معطوف به افزایش بهره‌وری به اعمال رانت جوینانه منحرف می‌ساخت. شاید گروهی نیز به واسطه درآمدهای نفتی کشور، پرداخت مالیات را یک وظیفه حتمی تلقی نمی‌کردند، ضمن آنکه دولت را موظف به حل هر مشکلی در جامعه می‌دانستند. اقتصاد مقاومتی که بر پایه متنوع سازی صادرات و بخش خصوصی پویا و کارآفرین قرار گرفته است، می‌تواند برای یک بار و همیشه مشکلات فوق را حل سازد.

با این حال انتظارات بیش از حد از اقتصاد مقاومتی می‌تواند باعث انحراف جریان منابع کشور شود. اقتصاد مقاومتی به معنای استفاده کارآمد از کلیه منابع اقتصاد می‌باشد و هرگز به معنای اقتصاد بدون نفت نیست، زیرا که از نفت نیز باید مانند سایر منابع استفاده صحیح کرد. اقتصاد مقاومتی به معنای خودکفایی مطلق اقتصادی نیست، پدیده ای که در هیچ کشور جهان رخ نداده است. تحریم‌های اقتصادی به قصد محروم سازی ایران از فوائد تجارت بین‌الملل صورت می‌گیرند، بنابراین حرکت داوطلبانه کشور به سمت قطع روابط تجاری و مالی با سایر کشورها با مبنای رسیدن به خودکفایی منطقی به نظر نمی‌رسد. اقتصاد مقاومتی یک فرآیند یا جریان می‌باشد و هرگز در کوتاه مدت محقق نمی‌شود، بنابراین باید به شدت از سیاست‌های مقطعی و کوتاه مدتی مانند کنترل قیمت‌ها که در بلند مدت موجب وابستگی بیشتر به بیگانگان می‌شود، خودداری کرد.

برای طراحی صحیح اقتصاد مقاومتی، تحریم‌ها باید به صورت متغیری درون‌زا در نظر گرفته شوند، به عبارت دیگر، از آن جا که پیشگیری ارزان تر از درمان است، خط مقدم اقتصاد مقاومتی اجرای سیاست‌های پیشگیرانه از تحریم‌های اقتصادی است. در این راستا باید ارتباط تنگاتنگی بین نظام اقتصادی و سیاست خارجی کشور برقرار باشد تا ضمن حفظ منافع بر حق ملت ایران، دشمنان کشور موفق به به وجود آوردن اجماع جهانی بر علیه ایران نشوند و مجبور شوند تا به تنهایی تحریم‌های اقتصادی را بر علیه ایران به کار گیرند که در آن صورت مبارزه با آن ساده‌تر خواهد بود. در نظر نگرفتن مسائل فوق و وارد کردن تحریم‌ها به عنوان متغیری برون‌زا در طراحی اقتصاد مقاومتی می‌تواند هزینه‌های بسیار سنگینی را به اقتصاد تحمیل کند.

۵. شاخص‌های نشان دهنده برقراری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی حداقل بر چهار پایه راه‌های مختلف کسب درآمد (که می‌تواند خود را در شکل استفاده کارآمد از کلیه منابع اقتصادی نشان دهد)، پس‌انداز بالا یا اجتناب از مصرف بی‌رویه، عملکرد کارای نهادهای کاهش دهنده ریسک و برطرف کردن کلیه نقاط ضعف اقتصاد استوار است. بنابراین هر شاخصی که نشان دهنده بهبود یکی از عوامل فوق بدون کاهش سایر عوامل باشد، می‌تواند نشان دهنده مقاوم‌تر شدن اقتصاد باشد.

مهمترین منبع اقتصاد، نیروی انسانی آن است. بنابراین هر شاخصی که نشانگر بهبود در وضعیت فوق باشد، کشور را به سمت اقتصاد مقاومتی خواهد برد. گروهی از مهمترین شاخص‌ها در این زمینه عبارتند از:

۵-۱. نرخ پایین بیکاری و عدم وجود بیکاری پنهان^۱

نرخ بیکاری پایین از شاخص‌های مهم یک اقتصاد مقاوم است. در صورتی که نرخ بیکاری در جامعه بالا باشد، فقر و نارضایتی افزایش یافته و گروه‌های آسیب پذیر در مقابل هر شوکی که به اقتصاد وارد شود، واکنش نشان می‌دهند.

۵-۲. بهره‌وری بالای نیروی کار

بهره‌وری بالای نیروی کار نیز یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاوم است، بهره‌وری باعث کاهش هدررفت منابع جامعه می‌شود و باعث می‌شود تا یک اقتصاد در زمان شوک‌های اقتصادی و کمبود منابع، مقاومت بیشتری داشته باشد.

یکی از راهکارهای افزایش بهره‌وری نیروی کار، آموزش متناسب با نیازهای جامعه است، در این خصوص راهکارهای زیر می‌تواند موثر باشد.

۱- آموزش با کیفیت و مورد نیاز جامعه برای نیروی کار به همراه تقویت روحیه نوآوری، کارآفرینی و مسئولیت‌پذیری در نیروی کار باعث افزایش سرمایه انسانی کشور می‌شود و از طرف دیگر سرمایه انسانی کشور را متناسب با نیاز جامعه شکل می‌دهد. افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق آموزش‌های لازم می‌تواند نیروی انسانی را برای شرایط تحریم‌ها تربیت کند تا در مواقعی که انتقال دانش فنی نیز مورد تحریم قرار می‌گیرد، بتوان از دانش نیروهای تحصیل‌کرده داخلی استفاده کرد.

۲- شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد. در حالی که در بیشتر کشورهای غربی رشته‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وجود دارد، هیچ رشته غرب‌شناسی یا اسرائیل‌شناسی در کشور ما وجود ندارد که بالطبع اثر منفی بر اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

۳- صرف منابع آموزشی کشور متناسب با نیازها: باید توجه داشت که صرف منابع کشور برای آموزش باید متناسب با نیازهای کشور صورت گیرد. در حالی که آموزش متناسب با نیازها می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی کار منجر شود، آموزش غیر متناسب نیز تنها منجر به هدر رفت منابع شده و از طرف دیگر باعث می‌شود تا نیروی کار تحصیل‌کرده بیکار افزایش یابد، زیرا نیروی کار تحصیل کرده نیاز به مشاغل متفاوت با نیروی کار ساده دارد. بعضی از اقداماتی که دولت می‌تواند به منظور هدفمند کردن منابع آموزشی انجام دهد، عبارت است از:

- تخصیص اعتبارات آموزشی به نحوی که فقرا و مناطق محروم بیشترین استفاده را ببرند.

- اجتناب از گسترش بی‌رویه دوره‌های رایگان فوق لیسانس و دکترا.^۲

اجرای نکات فوق باعث خواهد شد تا کشور به نقطه بهینه تخصیص منابع در مورد نظام آموزشی دست یابد و در نتیجه این

آموزش بهینه می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی کار کمک کند.

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به «اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۱۱-۱۴ مراجعه کنید.

۲. هنگامی که فردی به تحصیل می‌پردازد، هم خودش و هم جامعه از افزایش معلومات فرد نفع می‌برند. با این حال هنگامی که مدارج تحصیلی فرد افزایش می‌یابد شکاف بین منافع فردی و اجتماع به شدت افزایش می‌یابد. بنابراین اعطای یارانه در مدارج بالاتر از ضرورت کمتری برخوردار است برای مطالعه بیشتر در این زمینه به تودارو (Todaro, 1378) و روزبهان (۱۳۷۱) مراجعه شود.

۳-۵. کاهش نرخ مهاجرت نخبگان به خارج از کشور

نرخ بالای مهاجرت نخبگان به خارج از کشور یا اصطلاحاً فرار مغزها می‌تواند نشانه‌ای از وضعیت‌های زیر باشد:

- برای نخبگان علمی مهاجر، منافع شخصی شان بیش از منافع کشور اهمیت دارد.
- نظام آموزشی کشور بدون توجه به نیازهای واقعی ایران علمی را به افراد منتقل می‌کند که بیشتر برای کشورهای دیگر کاربرد دارد. در اینجا اهمیت بسیار بالای نظام آموزشی کشور در تقویت اقتصاد مقاومتی مشاهده می‌شود. چنانچه نظام آموزشی کشور بتواند متناسب با نیازهای واقعی کشور، مخصوصاً در خصوص صناعی که خطر تحریم شدید تری برای آنها دارد. نیروی کار مورد نیاز را تربیت کند، کشور گام بلندی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی بر خواهد داشت.
- در هر حال فرار مغزها به هر علتی که صورت گیرد، اثر آن برای اقتصاد مقاومتی مشابه فرار افسران از میدان جنگ است.

۴-۵. افزایش کارآفرینان در اقتصاد

کشور بدون داشتن گروهی از مالکان یا مدیران که حاضر به خطر کردن، باز کردن کارخانه‌های جدید، اختیار کردن فناوریهای جدید، رویارویی با موانع و وارد کردن شیوه‌های جدید تجارت هستند نمی‌تواند به سوی اقتصاد مقاومتی حرکت کند. دولت می‌تواند با تأسیس مدارس کارآفرینی و مدیریت و همچنین با احترام گذاشتن به مقوله سود و نقش بخش خصوصی به روند فوق کمک کنند.

۵-۵. دو قطبی نبودن جامعه

وجود اختلاف درآمد در جامعه و شکاف درآمدی باعث می‌شود تا کشور به لحاظ اقتصادی دارای دو قطب و گروه جدا از هم باشد. این موضوع گروه ضعیف جامعه را از پیشرفت‌های کشور دلسرد می‌سازد و در نتیجه مشارکت افراد در اقتصاد را کاهش می‌دهد. دو قطبی نبودن جامعه باعث مشارکت بیشتر مردم شده و در نتیجه کشور را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در مقابل شوک‌های وارده مقاوم تر می‌سازد.

۶-۵. تنوع درآمدهای صادراتی کشور

تنوع درآمدهای صادراتی کشور همان طور که در قسمت متنوع سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی نیز به آن اشاره شد. یکی از راه‌های مقاوم سازی اقتصاد است. در این زمینه باید توجه داشت که متنوع

سازی باید در دو بخش تنوع در کالای صادراتی و تنوع در شرکای صادراتی صورت گیرد. تنوع در شرکای صادراتی باعث می‌شود تا تحریم‌ها از طرف برخی کشورهای خاص اثر گذاری کمتری داشته باشد. شرکت‌های کارآمد بیمه می‌توانند قسمتی از خطراتی را که به علت اقدامات خصمانه دشمنان کشور برای تجار داخلی و خارجی رخ داده است را خنثی کنند. در این زمینه افزایش ضریب نفوذ بیمه هم برای بازار ایران و هم برای شرکای تجاری خارجی می‌تواند تا اندازه‌ای از آثار منفی تحریم‌ها بکاهد.

۶. شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصاد سالم با مقاومتی

ویژگی‌هایی که برای اقتصاد مقاومتی ذکر شد، تا حدود زیادی به ویژگی‌های یک اقتصاد توسعه یافته شباهت دارد. به طور کلی در بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تعریف چارچوب‌های اقتصاد مقاومتی نیز مشخص است که ایشان اقتصادی شکوفا، دارای رشد اقتصادی بالا و دارای مشارکت فعال در بازارهای جهانی را یک اقتصاد مقاوم می‌دانند. با این حال اقتصاد مقاومتی دارای تفاوت‌هایی با یک اقتصاد توسعه یافته نیز است. اقتصاد مقاومتی برای کشوری تعریف می‌شود که در شرایط تحریم‌های خارجی قرار دارد. بنابراین در چینی اقتصادی ارتباط با دنیای خارج با در نظر گرفتن قید تحریم صورت می‌گیرد. به عنوان مثال ممکن است تجارت با برخی کشورها که به لحاظ شاخص‌های تجاری دارای مزیت و نفع اقتصادی است صورت نگیرد و از طرف دیگر برخی دیگر از کشورها که به لحاظ اقتصادی جذابیت کمتری دارند در زمره شرکای تجاری قرار گیرند.

بنابراین در اقتصاد مقاومتی تلاش می‌شود تا کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد. با این ملاحظات که تحریم‌های خارجی بر علیه این کشور، بر سایر کشورهای دنیا نیز تأثیر جدی بگذارد. در یک اقتصاد مقاوم برخی شاخص‌های اقتصادی نسبت به برخی دیگر از شاخص‌ها اهمیت بیشتری می‌یابند. به عنوان مثال تنوع درآمدهای صادراتی نسبت به تخصص‌گرایی در تولید برخی محصولات اولویت بیشتری دارد، هر چند تخصص‌گرایی نیز دارای اهمیت است.

۷- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و محورهای اصلی آن

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد، همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند. متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار در برابر این ملت بزرگ صفا آرای می‌کرده، به شکست و عقب‌نشینی وامی‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق

آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد.

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم‌جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۹ / بهمن ماه / ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱ - تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲ - پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

۳ - محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴ - استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵ - سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

- ۶- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- ۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
- ۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.
- ۹- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
- ۱۰- حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
 - گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
 - تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات.
 - برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
 - استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
- ۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- ۱۳- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.

- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگو سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگی سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

همچنین ایشان در بیانات جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به تبیین سیاست‌های فوق پرداختند که اهم موارد مورد تأکید در جداول و نمودارهای زیر ذکر شده است:

مرور سریع

بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

پیشنهاد برای مطالعه بیشتر	جملات طلایی	موضوعات اصلی
<p>ابلاغیه‌ی سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۳۰</p>	<ul style="list-style-type: none"> مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. [اقتصاد مقاومتی] یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند. اقتصاد سرمایه داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند. ما قصد جداسدن و مُنعزل شدن از اقتصاد جهانی را به‌هیچ‌وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمیتوان هم داشت؛ بنابراین متأثر میشویم از آنچه در دنیا در اقتصادهای جهانی اتفاق می‌افتد. ما به خاطر استقلالمان، به خاطر عزت‌مداری‌مان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاست‌های قدرتها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوء نیت هم قرار داریم... بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم. 	<p>چپستی و چرایی اقتصاد مقاومتی</p>
<p>ابلاغیه‌ی سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۳۰</p>	<ul style="list-style-type: none"> یکی مسئله‌ی ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاستها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخصها در نظر گرفته شده؛ و از همه‌ی این شاخصها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. مؤلفه‌ی دوم، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است. [نکته‌ی سوم، تکیه بر ظرفیتهای داخلی است که در این سیاستها دیده شده؛... یعنی در این سیاستهای اقتصاد مقاومتی تکیه‌ی اصلی برروی ظرفیتهای داخلی است، که بسیار هم گسترده است. نکته‌ی چهارم، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. باید حرکتی که میشود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد. نکته‌ی پنجم، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان میدهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید میکنند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ (۵) هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست. 	<p>۱۰ مؤلفه اقتصاد مقاومتی</p>

	<ul style="list-style-type: none"> ● مسئله‌ی ششم امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه‌ی اول غذا و دارو. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه‌ی تغذیه و در زمینه‌ی دارو دچار مشکل نشود. ● نکته‌ی هفتم، کاهش وابستگی به نفت است؛ یکی از سخت‌ترین آسیب‌های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. ● ما نمی‌گوییم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه‌ی ما بر استفاده‌ی حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را میتوان به‌صورت فرآورده در اختیار گذاشت. ● موضوع هشتم، مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است. ● ما به‌هیچ‌وجه به مردم نمی‌گوییم ریاضت [بکشند] ما می‌گوییم ریخت‌وپاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است. ● نکته‌ی نهم، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه‌ی اقتصاد باشند، باید صحنه‌ی اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده‌ی قانون و شکننده‌ی قانون بسته بشود. ● نکته‌ی دهم از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، مسئله‌ی دانش‌محوری است که این هم یک مشخصه‌ی بسیار مهمی است. 	
<p>ابلاغیه‌ی سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۳۰</p>	<ul style="list-style-type: none"> ● این سیاست‌ها سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است. ● این سیاست‌ها سیاست‌های متحجری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نوبی در دنیا به وجود آمد، نتواند آن را در خودش هضم کند، به‌هیچ‌وجه این جور نیست؛ قابل انعطاف است. ● در متنی که ما ابلاغ کردیم، در مقدمه این سیاست‌ها چهار نکته‌ی اصلی را به‌عنوان انگیزه و عامل تهیه‌ی این سیاست‌ها ذکر کردیم. ● یکی اشاره‌ی به ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور بود. ● ظرفیتهای کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره‌ی این ظرفیتهای عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم. ● ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست‌وننه سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است. ● پنج هزار شرکت دانش‌بنیان داریم که الان هفده‌هزار متخصص و فعال در این شرکتها مشغول کارند. ● هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران ما نفت و گاز ندارد. نفت و گاز رگ حیاتی امروز دنیا است. ● نکته‌ی دوم، مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود. ● نکته‌ی سوم، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. ● این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. ● نکته‌ی چهارم، بحرانهای اقتصادی جهانی است؛... که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد. 	<p>ضرورت تهیه و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی</p>

**الزامات تحقق
اقتصاد مقاومتی**

- در درجه‌ی اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه‌ی اول، قوه‌ی مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه‌ی مقننه؛ و قوه‌ی قضائیه.
- دوم، ورود در میدان عمل [است] عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هرکسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خواهد بود.
- این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد.
- ما امسال را گفتیم سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، بحمدالله حماسه‌ی سیاسی به وجود آمد؛ حماسه‌ی اقتصادی متأسفانه تأخیر افتاد؛ لکن حالا در پایان سال، این سرآغازی برای حماسه‌ی اقتصادی خواهد بود.
- مسئله‌ی سوم، تبدیل به برنامه و سیاستهای اجرایی است که دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده.
- چهارم، هماهنگی میان بخشهای گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند.
- مسئله‌ی پنجم، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به طور کامل عمل کند.
- مطلب ششم، رفع موانع است. موانعی وجود دارد که اینها را میشود برداشت.
- الزام هفتم و کار لازم هفتم، گفتمان سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست.
- مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.
- بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد.

ابلاغیه‌ی
سیاست‌های
کلی «اقتصاد
مقاومتی»
۱۳۹۲/۱۱/۳۰





جزئیات تکمیلی

- ۱- قرار داشتن در بهترین وضعیت از لحاظ نیرو انسانی و نیروی جوان
- ۲- برخورداری از چهارمیلیون و صد هزار دانشجو، ده میلیون دانش آموخته‌ی دانشگاه و شصت و پنج هزار عضو هیئت علمی
- ۳- برخورداری از پنج هزار شرکت دانش بنیان با اشتغال هفده هزار متخصص و فعال در آنها
- ۴- قرار داشتن کشور در رتبه‌ی پانزدهم علمی دنیا و جزو هفت کشور [اول] دنیا در بعضی از رشته‌های علمی
- ۵- رتبه‌ی اول نفت و گاز و برخورداری از سرمایه‌های معدنی چون: طلا، سیمان، فلزهای کمیاب و ارزشمند
- ۶- رتبه‌ی هفده در اقتصادهای جهان با حدود هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی
- ۷- داشتن سرمایه‌های زیربنایی [مثل] راه و سد
- ۸- ظرفیت و مزیت جغرافیایی چون: دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت چهارراهی شمال و جنوب و شرق و غرب (مسئله‌ی ترانزیت)
- ۹- برخورداری از تنوع اقلیمی، ظرفیت انرژی‌های پاک [مثل] انرژی آب و خورشید و انرژی هسته‌ای

نمونه‌هایی از مشکلات اقتصادی ما



۱- وابستگی به نفت

۲- عادت به واردات و واردات بدون اولویت

۳- تورم مزمن

۴- بیکاری

۵- معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی مانند: نظامات مالی، پولی، بانکی و گمرکی

۶- اشکال در الگوی مصرف

۷- اشکال در مسئله‌ی تولید

۸- اشکال در بهره‌وری

۸- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

به طور کلی هر عامل اقتصادی (اعم از یک فرد یا یک کشور) برای مقابله با شوک‌های وارده، راه‌حل‌های زیر را پیش رو دارد:
الف) استفاده از کلیه منابع موجود برای مبارزه با شوک‌های وارده که به معنای بالا بردن توان انعطاف‌پذیری اقتصاد در بهره‌گیری از منابع می‌باشد.

ب) اجتناب از مصرف بی‌رویه یا پس‌انداز بیشتر (کاهش هزینه‌ها).

ج) متنوع‌سازی منابع درآمدی اقتصاد (افزایش درآمد از راه‌های دیگر).

د) و شاید از همه مهمتر پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد.

تحریم‌های بین‌المللی بر علیه ایران در صورتی از موفقیت برخوردار است که موفق به جلب همکاری کشورهای بیشتری بر علیه ایران شوند. با توجه به اصل بدیهی «پیشگیری بهتر از درمان است»، خط مقدم اقتصاد مقاومتی، سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران است. به زبان ساده‌تر توانایی ایران در جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع کشورهای تحریم‌کننده، برهم زدن اتحادهای موجود بر علیه کشور و گسترش متحدان عامل بسیار مهمی در تقویت اقتصاد ملی است.

تحریم وضع شده توسط گروهی از کشورها مشابه یک زنجیر است. قدرت زنجیر فوق‌بستگی به توان ضعیف‌ترین حلقه آن دارد، چنانچه حلقه فوق‌بشکند کل زنجیر علیرغم داشتن حلقه‌های قوی درهم خواهد شکست. بنابراین برای مبارزه با تحریم باید ضعیف‌ترین کشورهای تحریم‌کننده را مورد شناسایی قرار داد. در شرایط فعلی اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا و کشورهای یونان، پرتغال، اسپانیا و ایرلند نسبت به سایر کشورهای اروپایی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. بنابراین ایران در مذاکره با کشورهای فوق‌شانس بیشتری برخوردار خواهد بود.

علاوه بر آن وضع تحریم باعث ضرر و زیان گروه‌هایی در کشورهای تحریم‌کننده خواهد شد. انجام مذاکره و نزدیکی با گروه‌های مذکور می‌تواند راه‌های جدیدی را به کشور نشان دهد.

شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد. درحالی که در بیشتر کشورهای غربی رشته‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وجود دارد، هیچ رشته غرب‌شناسی یا اسرائیل‌شناسی در کشور ما وجود ندارد که بالطبع اثر منفی بر اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

البته این امر به معنای غفلت از سرمایه اجتماعی داخلی (چه بین مردم و چه بین مردم و دولت) نیست. توجه به سرنوشت قزافی، دیکتاتور معدوم لیبی در این زمینه آموزنده است. رژیم قذافی رابطه خود را با غرب به هر قیمتی اصلاح کرده بود و لیبی از تولیدکنندگان مهم نفت مرغوب به شمار می‌رفت، اما هنگامی که سرمایه اجتماعی داخلی رژیم از بین رفت، سرمایه اجتماعی بین‌المللی قذافی نیز از هم پاشید.

خط دوم اقتصاد مقاومتی شامل راهکارهای مبارزه با اقدامات خصمانه صورت گرفته است. تحریم‌ها در بهترین حالت ورود سرمایه خارجی را مختل می‌سازند. در چنین شرایطی کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی داخلی را جانشین سرمایه از دست رفته سازد. ضمن آنکه متنوع‌سازی منابع درآمدی کشور یا همان گسترش صادرات غیر نفتی آثار تحریم را تضعیف خواهد کرد و با افزایش توان کشور، قدرت اقتصادی را افزایش می‌دهد.

در صورت احداث صنایع جدید باید به این نکته مهم توجه کرد که مواد اولیه و یدکی آنها از چه طریقی تأمین خواهد شد. در صورت واردات کالاهای فوق از کشورهای متخاصم، اقتصاد مقاومتی تقویت نخواهد شد.

با توجه به اینکه تحریم هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دهد، دولت باید با اقدامات صحیح از سوی دیگر هزینه‌های فوق را برای بخش خصوصی کاهش دهد. این امر می‌تواند خود را در شکل مقررات زدایی و گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیر ساخت‌های حمل و نقل، خطوط تلفن و اینترنت و...) نشان دهد.

در کوتاه مدت که امکان متنوع سازی تولیدات وجود ندارد، باید از وابستگی به چند کشور معدود در حوزه تجارت به شدت دوری کرد یا به زبان دیگر برای تجارت یک کالای خاص اقدام به متنوع سازی در شرکای تجاری کشور و سایر راه‌های ارتباطی نمود.

افزایش توان تولید داخلی از نکات مهم در ساخت اقتصاد مقاومتی است، اما با این حال نباید در دام افزایش تولید همه کالاها (بدون توجه به مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل) و قطع کامل تجارت افتاد. صرفنظر از آنکه در بسیاری از موارد مصرف بهینه و کنترل ضایعات راه حل کارآمدتری به حساب می‌آیند. بنابراین می‌توان خطوط بعدی اقتصاد مقاومتی را متنوع سازی ساختار تولید بر اساس مزیت‌های نسبی بالفعل و بالقوه و مصرف بهینه دانست.

همچنین توجه به برخی مزیت‌های نسبی کشور که در حال حاضر کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند نیز باید اهمیت بیشتری داده شود. به عنوان مثال ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مسیر اصلی ترانزیت شرق به غرب و اتصال کشورهای آسیایی میانه به اروپا قرار دهد. همچنین تنها دسترسی برخی کشورهای اطراف ایران مانند افغانستان به آب‌های آزاد، کشورهای همسایه از جمله ایران است. این مزیت جغرافیایی در حالی که تجارت خدمات در حال حاضر سهم قابل توجهی در تجارت جهانی دارد اهمیت قابل ملاحظه ای داشته و می‌تواند در آمد بالایی را برای کشور به همراه داشته باشد.

متنوع سازی درآمدهای نفتی یکی از اولویت‌های اقتصاد مقاومتی است. در حالی که در حال حاضر کشور به شدت وابسته به درآمدهای نفتی است و مشتریان نفتی ایران نیز تعداد معدودی از کشورها هستند، باید توجه داشت که متنوع سازی هم در محصولات نفتی و هم در شرکای نفتی ایران می‌تواند تا حدود زیادی تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهد.

۹- نکاتی درباره تحقق اقتصاد مقاومتی

برای شناخت بسترها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت. اولین نیاز این است که مرکزیت و محوریتی برای فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. فعالان این عرصه باید بتوانند اطلاعات و دستاوردهای خود را در جایی به اشتراک بگذارند. فرماندهی هوشمند و متمرکز برای هدایت فعالیت‌های این حوزه و شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه لازم است. افراد دغدغه‌مند و مراکز تحقیقاتی و اجرایی که به این موضوع ورود کرده‌اند، می‌باید در شبکه‌ای فعال و مؤثر، از فعالیت‌های مهم و مسائل جدید مطلع شوند و سامانه‌ای پویا و هوشمند برای این مسأله وجود داشته باشد. مراکزی چون شورای

عالی امنیت ملی که در این موضوع ورود خوبی داشته‌اند، بایستی با عنایت به مسائل فوق در کمک گرفتن از دیگر نیروها پویا و چابک باشند.

نیاز دوم آن است که فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصادی داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد دارد. بدون این دو، فعالیت برای تحقق اقتصاد مقاومتی امکان ندارد. ضمناً برای این که به این دو برسیم، به شاخص‌های بومی نیاز داریم تا میزان مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادمان را بر اساس آنها شناسایی کنیم و بدانیم این اقتصاد ما تا چه اندازه می‌تواند در برابر فشارها مقاومت کند و این سد اقتصادی چه میزان فشار را می‌تواند تحمل کند؟ اقتصاد غربی برای خودش شاخص دارد و ما به شاخص‌های بومی متناسب با این مسائل بومی خودمان نیاز داریم؛ کاری که از جوانان ما به‌خوبی برمی‌آید.



مسأله‌ی سوم، ضرورت طراحی یک الگوی مشخص از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده‌ی اقتصاد مقاومتی هستند. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه‌ای از مردم ارائه می‌دهیم که بدانند نیازها و مقتضیات انقلاب چه نوع سبک زندگی را می‌طلبد؟ ابتدا باید دولت را در سبک‌های اداره‌ی امور و سپس این بخش از مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین‌وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه پُررنگ‌تر کنیم.

وقتی یک شیوه‌ی زندگی را بر اساس سه‌گانه‌ی «اعتماد به نفس ملی، روحیه‌ی جهادی، و پرهیز از لقمه‌ی حرام» طراحی کردیم، می‌توانیم به کارآمدی آن امیدوار باشیم. توجه به معنویت دینی در این سه‌گانه نقشی اساسی ایفا می‌کند. البته طبیعی

است که جنگ نظامی برای مردم ملموس و باورپذیرتر باشد، اما جنگ نرم افزاری این گونه نیست. بنابراین وجود روحیه جهادی منبعث از آموزه‌های دینی در آن سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است. در روایات ما این عبارت وجود دارد که اگر کسی در میدان جنگ نبوده باشد یا در دلش حدیث جهاد نخواند، به گونه‌ای از نفاق زندگی را ترک می‌کند.^۱

این شور و حماسه‌ی زندگی مقاوم و جهادی را باید به عرصه‌ی عموم علاقمندان انقلاب بکشانیم تا چهره‌ی زندگی را از اتراف و بی‌تفاوتی بزدااییم. این مهم باید در نعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی پیگیری شود و ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی خاص خودمان را برای مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا کنیم.

بدیهی است اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه‌ی معنوی افراد و جامعه استوار است. بدون معنویت و سلامت معنوی، مقاومت شکننده است. مثال مهم اقتصادی در این زمینه، پرهیز از لقمه‌ی حرام است. لقمه‌ی حرام هر الگویی را که از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی ارائه بدهید، بی‌استفاده و بی‌فایده می‌کند. کسی که شکمش از حرام پر باشد، پای هیچ مبارزه و مقاومتی حاضر نخواهد شد. لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به شدت مقابله نماییم.

اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

مسأله‌ی چهارم عبارت از این است که نظام آموزشی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به خوبی نمی‌افتد. به یک مثال از عملکرد آمریکا در دشمن‌سازی اشاره می‌کنم. وزارت دفاع آمریکا کتابی را در ۴۰۰ صفحه منتشر کرده که موضوعات امنیت ملی آمریکا را در آن برشمرده و توضیح داده است. مخاطبان کتاب هم عموماً معلمان دبیرستان‌های آمریکا هستند و از آنها خواسته شده تا ضمن بحث‌های خودشان به این موارد هم اشاره کنند. یعنی آمریکایی که مشکل امنیتی با همسایگان خود ندارد و اساساً خودش بحران ساز برای دیگران است، با استفاده از نظام آموزش و پرورش خود کاری کرده که در ذهن جوانان و نوجوانان این کشور همواره دغدغه‌ی امنیت اقتصادی و دشمنان اقتصادی مطرح باشد.

حال این سؤال مطرح است که نظام آموزشی ما چه اندازه به دنبال جهادی بارآوردن مخاطبان خویش است و آیا اصلاً فکری برای این دارد که فرزندان این مرز و بوم را جهادگر باریاورد؟! ما نیاز داریم که از سطح پیش‌دبستان برای این مسأله برنامه داشته باشیم. ما به شعر و داستان و کاریکاتورهایی احتیاج داریم که کودکانمان را به این سمت هدایت کنیم. بنابراین توجه به نظام آموزشی و تربیتی در این عرصه بسیار مهم است.

مورد پنجم هم درباره‌ی نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی ما برای رواج آموزه‌های اقتصاد مقاومتی است. ما به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم عرضه کند؛ همان گونه که در دوران دفاع مقدس به هر حال دستگاه‌هایی مسئول کاری شبیه این کار بودند و برای آن فکر می‌کردند. بنابراین ما باید از ظرفیت همایش‌ها، سخنرانی‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و حتی مجالس مذهبی و هیئات برای رسیدن به این مقصود استفاده کنیم.

مسأله‌ی ششم، امکان واکنش سریع نظام اقتصادی ما در برابر حملات اقتصادی است؛ این که چقدر توان واکنش به کنش‌ها و حملاتی را داریم که به نظام اقتصادی ما وارد می‌شود و چقدر می‌توانیم در این واکنش سریع استقامت داشته باشیم. اگر بحرانی پیش بیاید، تا چه میزان می‌توانیم مصارف کشور را پایین بیاوریم؟ مردم تا چه اندازه و در چه مدتی می‌توانند خودشان را با این تغییرات هماهنگ کنند؟ قوت‌های ما در این زمینه می‌باید تکمیل و ضعف‌هایمان ترمیم شوند.

مسأله‌ی هفتم، ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. دوباره به تعاریف ابتدای بحث برمی‌گردیم؛ اگر قرار باشد ما اقدام به نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی کنیم، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد، بلکه ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. الان که بحث تحریم‌ها و مشکلات مبادله‌ی پول مطرح است، نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.

در زمان جنگ جهانی دوم، اقتصاددان‌های معروف آمریکا در واحد اقتصادی وزارت دفاع این کشور برنامه‌ریزی کردند که چگونه می‌توانند از شرایط موجود و ظرفیت‌های مردمی برای جنگ استفاده کنند. امروز ما نیاز داریم که یک بار مهارت‌های مردم خودمان را کاملاً رصد کنیم تا دریابیم که در روز مبادا مهارت چه کسانی برای این کشور به کار می‌آید و اگر کسانی چند مهارت دارند، کدام مهارتشان در اولویت استفاده قرار دارد.

لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشورمان بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به شدت مقابله نماییم.

به گمان من برای این که عملیات جهاد اقتصادی ما موفق باشد، باید بازیگران اصلی این اقتصاد را نه به صورت کلی، که کاملاً جزئی تعیین کنیم. یعنی تقسیم‌بندی خود را از حالت مردم و مسئولین به یک تقسیم‌بندی تخصصی تبدیل کنیم که شامل اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، دانشجویان، طلاب، دانش‌آموزان، معلمان و زنان خانه‌دار و همه‌ی اقشار دیگر بشود.

مسأله‌ی هشتم، لزوم توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی است. اگر دولت در شرایط عادی از فعالان اقتصادی و از کشاورزان و کارگران و کارمندان حمایت کند، آن وقت می‌تواند انتظار داشته باشد که آنها هم در روز مبادا به کمک کشور بیایند. اما اگر دولت آنها را رها کند و به مشکلات آنها اهمیتی ندهد و فقط به فکر خود باشد، دیگر توانی برای

مقاومت در این اقشار نمی ماند که بخواهند در روز مبدا مقاومت کنند؛ چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه شان به مالک اشتر به این معنا اشاره کرده اند.

نکته ی نهم، تحرک دستگاه دیپلماسی کشور برای فعال کردن ظرفیت های بالقوه و فرصت های جهانی در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی در شبکه ای پویا از اقتصاد جهانی معنادار می شود و کشف و بکارگیری و ساخت ظرفیت این شبکه برعهده ی ماست. جهانی شدن اقتصاد موجب شده تا مقاومت اقتصادی نیز تعاریف جدید به خود بگیرد، لذا ما نیازمند بازیگرانی خاص در عرصه ی اقتصاد جهانی و بازی در لایه های مختلف آشکار و پنهان آن هستیم. همچنین لازم است تا گردآوری و استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه های مشابه را مجدانه پیگیری کنیم. به هر حال ممکن است هر کشوری در یک برهه ای با مشکلات اقتصادی مواجه بوده باشد؛ اگر دستگاه دیپلماسی کشور این تجربیات را گردآوری کند و در اختیار فعالان و محققان اقتصادی بگذارد، این مسأله برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا خواهد بود.

نکته ی دهم و پایانی، لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است. همین صحبت کردن و گفت و گو پیرامون این موضوع و توجه به ابعاد مختلف آن، در سرعت حرکت به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیری بسزا خواهد داشت. این مسأله باید در کلاس های درس و پروژه های علمی از محققان و نخبگان خواسته شود و از سوی استادان اقتصاد که درد دین دارند یا حداقل آزاده و میهن دوست هستند، جدی گرفته شود.



منابع و مآخذ

۱. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شهریور ۱۳۹۱
۲. اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌های آن، فرصت‌ها و تهدیدها، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن ۱۳۹۱
۳. بیانات مقاوم معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (<http://farsi.khamenei.ir>)
۴. پیغامی، عادل، ۱۰ نکته درباره تحقق اقتصاد مقاومتی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (<http://farsi.khamenei.ir>)
۵. خاندوزی، احسان، تجربیات جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (<http://farsi.khamenei.ir>)
۶. الزامات اقتصاد مقاومتی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (<http://farsi.khamenei.ir>)
۷. فرهنگ اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (<http://farsi.khamenei.ir>)
۸. نریمانی، میثم و عسگری، حسین، چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی